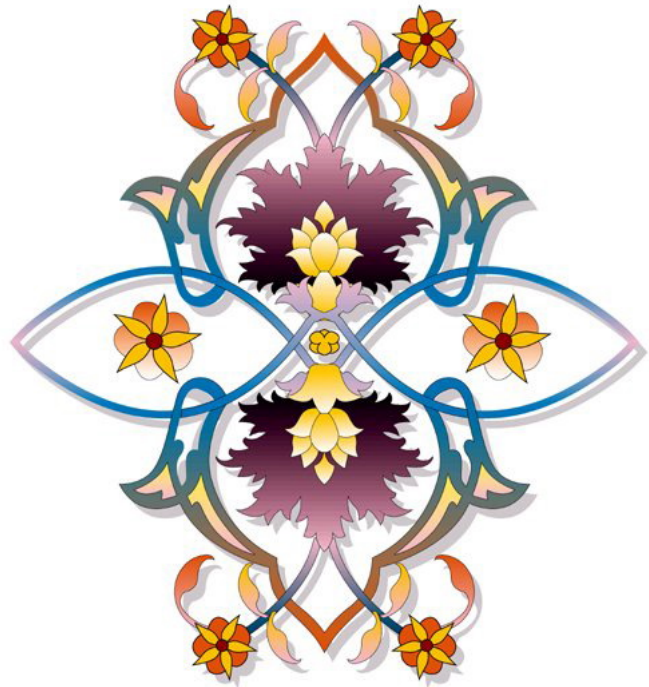


رازهای روحانی و آسمانی



فیلیپ تووی

رازهای روحانی و آسمانی

تفسیری کوتاه بر تعمید مقدس

در سنت سریانی غربی

طبق کتاب مقدس و پدران کلیسا

پدر روحانی کشیش فیلیپ تووی

عنوان : رازهای روحانی و آسمانی
نویسنده : پدر روحانی کشیش فیلیپ تووی
سطح : الهیات

www.irancatholic.com

فهرست

۵ مقدمه
۹ فصل اول: قرائتها
۱۴ فصل دوم: ثبت کردن
۱۹ فصل سوم: اخراج ارواح شریر
۲۴ فصل چهارم: نفی (شیطان و گناه)
۳۰ فصل پنجم: روغن تدهین
۳۵ فصل ششم: برکت دادن آب
۴۱ فصل هفتم: آب و روح
۴۶ فصل هشتم: تعمید
۵۳ فصل نهم: تدهین
۵۹ فصل دهم: ضیافت آسمانی
۶۴ فصل یازدهم: رازهای روحانی
۶۸ واژه نامه

نیایشی یا آموزه‌ای را مورد بحث قرار دهد، بلکه هدف، بررسی سنت و مراسم تعمید سریانی غرب به منظور کمک به درک بهتر اعجاز این مراسم است. درک عمیق‌تر معنای آیین ما، به بحث ما با سایر برادران و خواهران مسیحی کمک خواهد کرد.

روش من برای رسیدن به این هدف نظر کردن بر مراسم مختلف در آیین نیایش و دادن اظهارنظرهایی درباره معنای آنها در نور کتاب مقدس و گفته‌های پدران کلیساست. منظور این نیست که تحقیق جامع ارائه شود. ممکن است مطالبی عنوان نشده باشند و شما مایل باشید که من آنها را توضیح دهم. من از مراسم شروع کرده‌ام چون اینها به وضوح معنی این آیین را منتقل می‌کنند. معدود کسانی هستند که به تمام زبانهای مورد استفاده در نماز صحبت می‌کنند. اما مراسم غنی ما را قادر می‌سازد که در معنی آیین شرکت کنیم. در غرب تأکید بسیاری بر ذهن و ادراک وجود دارد. ما درباره سمبولها و نحوه انتقال معنی آنها در ورای هوش شروع به یادگیری نموده‌ایم. سمبولها قادر هستند که انواع معانی را همزمان به ما منتقل نمایند. بنابراین هر نوع توضیحی که من ارائه دهم بیشتر شبیه تعمق است تا تفسیر. این روش به این توضیح که چرا پدران و معلمین کلیسا گاهی اوقات تفسیرهای بسیار متفاوت از یک عمل ارائه داده‌اند، کمک می‌کند. مراسم تعمید، تاریخی غنی دارد. در قرون گذشته اعمال متفاوتی اضافه شده و بعدها نیز اصلاحاتی صورت گرفته است. تکمیل مراسم نماز به علمایی همچون مار سوروس، مار یعقوب اهل ادسا، مار دیونیسیوس بارصیلیبی و مار گریگوری بارهبرائوس بستگی داشته است. هنوز باید کارهای زیادی صورت گیرد تا بتوان تاریخ آیین‌ها را با دقت به رشته تحریر درآورد. اما لازم است به یاد آوریم که روح القدس کلیسا را تا به حال هدایت کرده است و این که نماز آن طوری که ما اکنون برگزار می‌کنیم، نوع پیشرفته‌تر تعلیم رسولان است. هسته مراسم نماز، چنان که از داستانهای

مقدمه

خداوند ما عیسی مسیح برای نجات ما در رود اردن تعمید یافت و بدین طریق نشان داد که تعمید، اولین راز انجیل است. شاگردان به خداوند خود و خدای خود وفادار بودند، بنابراین کتاب اعمال رسولان مراسم تعمید آنها را ذکر می‌کند. کتاب اعمال توما چندین مورد مراسم تعمید را که تومای رسول برگزار نموده ذکر می‌کند، همان کاری که در کتب «اعمال» دیگر رسولان نیز ذکر گردیده. گروه‌های مختلف کلیسا آیین نیایش خود را به شیوه‌های متفاوت توسعه بخشیده‌اند، اما هسته مشترک همه آنها اطاعت از نمونه عیسی در استفاده از آب و استغاثه از نام مقدس تثلیث می‌باشد. کتاب حاضر تفسیر مختصر درباره مراسم کلیسای سریانی غرب است. در کراال سنتهای متفاوتی از تعمید مسیحی وجود دارد. مراسم کلیسای سریانی شرق توسط کاتولیکهای سریانی - مالابار و نیز توسط نسطوریها (کلیسای سریانی کلدانی در هندوستان با این نام خوانده شده و در خارج از هندوستان با عنوان کلیسای شرق) شناسانده می‌شود. سنت سریانی غرب در هندوستان توسط کلیسای سریانی مستقل مالابار، یعقوبیون، ارتدکس و کاتولیکهای سریانی - مالانکارا معرفی می‌گردد. تومای قدیس پیرو نوع بازنگری شده این مراسم است. کاتولیکهای لاتین و کلیسای هند جنوبی (که برخی گروه‌های پروتستان و انگلیکن‌ها را متحد کرد) آیین‌های غربی را برگزار می‌نمایند. مشخصه گروه‌های پروتستان رادیکال‌تر (اصلاح طلب‌تر) گروه‌هایی است که مراسم «تعمید ایمانداران» را برگزار می‌نمایند، برای نمونه پنطیکاستیها.

رسیدگی به تمام اختلافات مابین این کلیساها، در فضای محدود این کتاب مقدور نیست. در واقع هدف این کتاب این نیست که اختلافات

خواننده ممکن است با آنها چندان آشنا نباشد.

اگر تمام اینها ناشی از نیت اولیه من بوده اند، پس به چند بیت از ماراپرم رجوع کنیم که ما را به یاد اعجاز تعمیم می اندازند.

تعمید، سرچشمه حیات است

که پسر خدا با حیات خود افتتاح نمود

و از پهلوی خود چشمه ها را جاری ساخت

بیائید ای همه آنهایی که تشنه هستید، بیائید و شادی کنید

متبارک است او که برهمگان رحمت دارد

پدر بر تعمیم مهر زده است تا آن را شکوه بخشد

و روح القدس با مهر سه گانه خود

آن را مهور نموده و قدوسیت بر آن تاییده است.

متبارک است او که برهمگان رحمت دارد!

تثلیث اقدس که غیر قابل تفحص است.

در تعمیم، گنجها نهاده

ای مسکین، به سرچشمه آن فرو شو

و تو ای نیازمند، توسط آن غنی شو!

متبارک است او که برهمگان رحمت دارد.

سرود عید تجلی ۱۲: ۵ - ۷

هدف این کتاب کمک کردن به ما جهت رشد در درک آن گنجی است

که تثلیث اقدس در تعمیم برای ما نهاده است.

* * *

مربوط به تومای رسول مشخص می گردد، تدهین با روغن، تعمیم در آب، و دادن نان و شراب (Qurbana) به تازه تعمیم‌یافتگان است. روغن تاریخچه ای بسیار پیچیده دارد و مابین تدهین قبل از تعمیم با زیت و تدهین بعد از تعمیم با میرون (روغن مقدس) تمایزی موجود است. این نقد در وهله اول عملی تاریخی محسوب نمی شود و بنابراین فقط به دلیل کمک به درک بهتر مراسم امروزی، به نحوه تکامل مراسم پرداخته خواهد شد.

در منطقه کerala (Kerala) اختلافاتی در مراسم نماز کلیساهای مختلف سنت سریانی غرب وجود دارد که مشخصاً در مورد تومای رسول می باشد. اما همچنین قابل ذکر است که سنت ارتدوکس دارای مراسم گوناگون نماز می باشد. علاوه بر شکل طولانی مراسم، فرمی کوتاه از مراسم نماز وجود دارد که به مار سوروس نسبت داده می شود. به علاوه تفاوتهایی نیز مابین مراسم سنت تگریت (Tagrit) و سنت انطاکیه ای وجود دارند. مراسم نماز تعمیم مقدس برای کلیساهای ارتدوکس سریانی در ایالات متحده آمریکا، به دو بخش یعنی مراسم نخستین و مراسم ثانویه تقسیم می شود و دو تدهین قبل از تعمیم دارد که با قرائت انجیل یوحنا (۳: ۱-۸) همراه می باشد. مقایسه ای با ترجمه مراسم شهر پامپاکودا (Pampakuda) که توسط ماتئو النجیکال (Mathew Elenjikal) ارائه شده است، تفاوتهایی را در نیایشها و مناسک دینی نشان می دهد. چون این متن در کerala استفاده می شود تفاسیر خود را بر مبنای آن قرار می دهم.

آنهایی که مایلند مطالعه دقیق تری از مراسم تعمیم به عمل آورند، از کتاب ماتئو النجیکال به نام «تعمیم در کلیسای مالانکارا» که از سوی موسسه انتشاراتی دهارمارام (Dharmaram) در بنگالور به چاپ رسیده استفاده زیادی خواهند نمود. من در فصل چهاردهم همین کتاب پیشنهادات دیگری برای مطالعه بیشتر در این باره اضافه نموده ام. لغت نامه ای نیز در فصل سیزدهم یافت می شود که به برخی افراد و واژه ها اشارت دارد و

در مراسم نماز اصلاح به عمل آمد تا جوابگوی این حقیقت باشد که اکثر داوطلبین (تعمید) کودکان بودند، مراسم را در یک مرحله جمع آوری نمودند، و والدین تعمیدی به جای کودک صحبت می کردند (به عوض آن که برای داوطلبین بزرگسال صحبت کنند و بر شخصیت خوب آنها تأکید ورزند)، و تعلیم دادن با تعیین چند قطعه از کتاب مقدس همراه می شد.

دو درس از کتاب مقدس در این رابطه وجود دارد. یکی در بخش مربوط به پولس رسول که از رومیان ۵:۲۰ تا ۶:۴ و ۸ است و دیگری از انجیل و از لوقا ۳:۱۵-۱۶ و یوحنا ۳:۵-۶ می باشد. اینها در برگرفته سه موضوع مهم جهت درک تعمید، یعنی مرگ و رستاخیز، تولد نوین، و روح القدس هستند. اما اینها تنها موضوع مربوط به تعمید در کتب مقدسه نیستند. در واقع نماز مملو از نقل قولهایی است از سایر بخشهای کتب مقدسه و سرودها نیز بیان کننده سایر اتفاقات در مکتوبات روحانی در رابطه با تعمید و بخصوص درباره تعمید خداوندما عیسی مسیح می باشند. اما در این فصل ما بحث را به این سه موضوع محدود خواهیم نمود.

پولس رسول در رساله به رومیان بر مرگ و رستاخیز تأکید می ورزد. عیسی، تسلیم را یک تعمید خوانده است (مت ۲۰:۲۲) او با موسی و الیاس در تبدیل هیئت خود، خروج خود را ذکر می کند (لو ۹:۳۱). بنابراین پولس رسول می گوید که «تمام ما که در عیسی مسیح تعمید یافته ایم در مرگ او تعمید یافتیم... با او از طریق تعمید مدفون شدیم... و همان گونه که مسیح از مردگان برخاسته است... تا ما نیز بتوانیم در حیات نوین زندگی کنیم. اگر ما با او در مرگش متحد شده ایم، به طور مسلم در قیامت هم با او متحد خواهیم بود» (روم ۶: ۳-۵). آب را برای منظورهی مختلف به کار می گیرند. ما با آن شستشو می کنیم و به نوشیدن آن برای ادامه حیات نیاز داریم. آب درعین حال که به تمام موجودات زنده حیات و رشد می بخشد خطرناک است و ما می توانیم به سادگی در آن غرق شویم. این تعمق

فصل اول : قرائتها

تعلیم همیشه جزئی از تعمید بوده است. در روز پنتیکاست، پطرس رسول برخاست و موعظه نمود و نتیجه آن تعمید سه هزار نفر بود (اع ۲:۱۴-۴۱). در کتاب اعمال توما طرحی مشابه را ملاحظه می کنیم: رسول موعظه می کند و به دنبال آن فوراً تعمید می باشد. اما در قرن چهارم شیوه دیگری برگزیده می شود. هنگامی که فردی جهت تعمید می آید به عنوان حق جویان ثبت نام می گردد (آنهائی که تحت تعلیم هستند). سپس در طی دوره ای از زمان، به مدت چندین سال به آنها تعلیمات مسیحی داده می شود. ما تعدادی از موعظه هایی که توسط پدران کلیسا به حق جویان داده شده اند را در اختیار داریم، از جمله برجسته ترین آنها تعلیمات مار سیریل اهل اورشلیم، مار یوحنا کریزوستوم و مار تئودور می باشند. دو سری آخر این تعلیمات هر دو در انطاکیه ارائه شده اند، قبل از این که این دو عالم مزبور به مقام اسقفی برسند. واقعاً حیرت آور است که فکر کنیم این دو هم عصر بوده اند. مار تئودور بعدها به عنوان «تفسیر کننده» از سوی کلیسای نسطوری شناخته شد و بدین دلیل به او با قدری شک و تردید نگریسته می شد. اما موعظه های وی درباره رسوم اولیه انطاکیه می باشند و بنابراین برای درک ما از مراسم تعمید در این سنت بسیار مهم تلقی می شوند.

در قرن چهارم بسیاری از آنهائی که در پی تعمید گرفتن بودند جزو افراد بالغ به حساب می آمدند. آیین نماز امروزی ما عناصر بسیاری را دربر می گیرد که به دوره رازآموزی برمی گردد. در نظام نماز سنت انطاکیه ای اینها اولین قسمت از نماز را تشکیل می دهند که به طور تقریبی با پنج فصل اولیه این کتاب مطابقت دارد. در کلیسای اولیه این مراسم در طول مدت مشخصی انجام می یافت، همان گونه که در مورد تعلیم بود. هنگامی که

پروتستانها مایل هستند که باور کنیم، بلکه رویدادی است که در آن، ما در حیات خدا سهیم می شویم. سیریل اهل اورشلیم درباره واقعیت مرگ مسیح اظهار نظر کرده و می گوید «در مورد او تمام این اتفاقات حقیقتاً به وقوع پیوسته اند، اما در مورد شما شباهتی از مرگ و رنج ندای می شود، و آنچه حقیقت و واقعیت است و نه شباهت، نجات است». ما فقط شباهتی از مرگ را در تعمید تجربه می کنیم، اما تجربه ای واقعی از نجات وجود دارد. مبارزه این است که نسبت به آن حیات نوین زندگی کنیم.

یوحنا رسول تعمق دیگری درباره تعمید به ما می دهد: شما باید از سرنو متولد شوید. از این تعلیم می بینیم که تعمید تولدی نوین است. این تولد از بالاست، از آسمان و به واسطه روح القدس انجام می گیرد. روح است که به روح تولد می دهد. و این در رحم تازه حوضچه تعمید پدیدار می شود. در این قسمت رابطه نزدیک بین آب و روح القدس را می بینیم، تو باید از آب-روح متولد شوی. نه به معنای دو واقعیت جداگانه، بلکه از روح القدس در آب و از طریق آب. بنابراین ما می بینیم که در دعاها به آب توجه خاص معطوف می شود. تولد نوین ضروری است. تو باید دوباره متولد شوی. آن مسیحیانی که بر علیه لزوم تعمید استدلال کرده بودند در برابر باب سوم انجیل یوحنا رسول دچار لغزش شدند. مسیح خداوند ما البته قادر است که افراد تعمید نیافته را نیز به آسمان ببرد و نمونه بسیار شاخص این حقیقت همان رنج بر روی صلیب است، اما این آن طرحی نیست که او برای ما در کلیسای خود به جای گذارده است. ما از مثال نیقودیموس می بینیم که روشن ساختن مطلب برای عیسی بسیار ضروری بود. نیقودیموس نمی توانست پیام را درک کند. یکی دیگر از القاب اولیه برای تعمید نورانی شدن بود. آنهایی که از طریق تعلیم توانسته بودند درک کنند و توسط انجیل فهمیده بودند، نورانی شده و بدین شکل تعمید یافته بودند. آن کسانی که در نوزادی تعمید یافته اند، می بایستی از طریق

آخر است که پولس رسول را وامی دارد تا به آن اشاره کند: آب به عنوان مرگ. در تعمید ما به طور سمبولیک در مرگ مسیح متحد می شویم. با نجات دهنده مان می میریم، دفن می شویم و سپس به حیات تازه قدم می گذاریم.

هنگامی که افراد بالغ تعمید می یافتند، آنها را تا نیمه در آب فرو می بردند. مار تئودور می گوید با نیمه وارد شدن در آب شما حکم تدفین شدن را به انجام می رسانید و با بیرون آمدن (از آب) نشانه رستاخیز را دریافت می دارید. این شاید بدین معنی باشد که داوطلب در یک حوضچه ایستاده یا زانو زده است و آب بر روی او ریخته می شود (نیمه در آب فرو شدن). فرو رفتن کامل در آب هنگامی است که فرد داوطلب کاملاً به زیر آب فرو برده شود. باستانشناسی چنین مطرح می سازد که در کلیسای اولیه نیمه فرو رفتن در آب رایج تر بوده تا رفتن کامل به زیر آب.

بعضی ادعا کرده اند که فرو رفتن کامل به زیر آب تنها شیوه تعمید یافتن است. چنین طرز فکری اصول اعتقادی نوظهوری است که از اصلاحات اساسی پروتستانها به وجود آمده است. این طرز فکر شامل تصاویر مختلف از تعمید در کتب مقدسه نیست. اما فرو رفتن در زیر آب آشکارا نشان دهنده مرگ و رستاخیز در تعمید می باشد.

توجه کنید که پولس رسول قاطعانه می گوید «ما مدفون شدیم». رسولان نظری قاطع درباره تعمید داشتند. در تعمید با مسیح متحد می شویم، برای گناه می میریم و حیاتی تازه را آغاز می کنیم و امید به رستاخیز از مرگ را داریم. تعمید رویدادی عالی است. ما باید در درک اهمیت آن رشد کنیم و در برابر مبارزه ای که این رویداد در مقابل ما قرار می دهد کوتاه نیائیم. ما توسط رسولان دعوت شده ایم تا به حیاتی زیست کنیم که برای گناه مرده و برای خدا زنده باشد. این شیوه زندگی است که در تعمید به آن دعوت شده ایم؛ این شیوه زندگی است که ما با تعمید آغاز می کنیم. این فقط یک مراسم صرف نیست به آن صورتی که بعضی از

زندگی خانوادگی در دعا و قرائت انجیل و از طریق مدرسه در روزهای یکشنبه، در نور تعالیم مسیح رشد کنند. در این جا نیز بار دیگر تعمیم و تعلیم به هم متصل هستند.

این آیات از انجیل لوقا نیز بر نقش روح القدس تأکید می‌ورزند: او (عیسی) شما را با روح القدس و آتش تعمیم خواهد داد. در این آیه ما رابطه نزدیک میان تعمیم عیسی، پنطیکاست و تعمیم خودمان را می‌بینیم. آتش سمبولی از خداست. خدای ما آتشی فروبرنده است (عبر ۱۲: ۲۹). خدا در روی کوه سینا در ابری از آتش فرود آمد (خروج ۱۹: ۱۸). خدا در بوته سوزان همچون آتش حضور داشت، بدون آنکه بوته را از بین ببرد (خروج ۳: ۲). روح بر عیسی فرود آمد و آشکار ساخت که او آن کسی است که با روح القدس تعمیم می‌دهد. در روز پنطیکاست خداوند رستاخیز کرده، روح القدس را به صورت زبانه‌هایی از آتش بر کلیسایش فرو ریخت. بدین طریق نیز تعمیم ما در روح القدس و آتش است، زیرا که تعمیم ما و تعمیم رسولان یکی است.

آتش موضوع مهمی در الهیات تعمیدی سریانی است و ما بعدها دوباره هنگامی که موضوع کوره آتش را بررسی می‌کنیم به آن رجوع خواهیم کرد. بنابراین با یک سرود از مار اپرم به این بحث پایان می‌دهیم، سرودی که در آن رابطه بین رازهای مقدس کلیسا و اعمال عیسی مسیح را می‌بینیم.

بین، آتش و روح را در بطنی که به تو تولد داد،

بین، آتش و روح را در رودی که در آن تعمیم یافتی.

آتش و روح در تعمیم ما،

در نان و در جام، آتش و روح القدس. (سرود ایمان ۱۰: ۱۷)

* * *

فصل دوم: ثبت کردن

اولین گروه از مراسم پس از قرائت‌ها مختص آمادگی برای تعمیم است. سه عمل صورت می‌گیرد: امضای دفتر ثبت، دمیدن بر فرد داوطلب، و سپس رسم نشان صلیب بدون استفاده از روغن. نیایشهای همراه این اعمال، مفهوم آنها را روشن می‌سازند.

ای دهنده نور که جانها و جسمها را منور می‌سازی... که اینک نیز این خادم خود را دعوت کرده‌ای با دعوت مقدس از ظلمت و گناه به شناخت حقیقت خود، تقاضا می‌کنم این نام را ای خداوند بخشنده، در دفتر حیات خود ثبت کن. این دعا و مراسم منشأ و اصالت خود را در تعالیم مذهبی دارد و در آن زمان مدتها قبل از تعمیم انجام می‌شد. دوره‌ای طولانی از تعلیمات وجود داشت و این مراسم به عنوان انتظار تعمیم صورت می‌گرفت. اگر با (Egeria) راهبه‌ای که در قرن چهارم به اورشلیم سفر کرده بود ثبت نام را توصیف می‌کند و سندی برای حیات کلیسا در آن زمان به جای می‌گذارد.

«من احساس می‌کنم که باید مطلبی درباره نحوه تعلیمات به آنهایی که در عید رستاخیز آماده تعمیم می‌شوند اضافه کنم. نامگذاری‌ها باید قبل از اولین روز از روزه بزرگ انجام شود... کشیش تمام نام‌ها را در روز دوم از روزه بزرگ جمع‌آوری می‌کند... کرسی اسقف در میانه کلیسای اعظم قرار داده می‌شود... متقاضیان تعمیم یکی پس از دیگری به جلو آورده می‌شوند. اسقف از همسایگان آنها سؤال می‌کند که آیا این شخص زندگی خوبی را اداره می‌کند؟... اگر تحقیقات او نشان دهد که آن شخص هیچ کدام از این اعمال سوء را مرتکب نشده، اسقف شخصاً نام او را ثبت می‌کند؛ اما اگر کسی گناهکار است به او گفته می‌شود که دور شود، و اسقف به او می‌گوید که او باید روش‌های خود

می‌کند. اما در این جا در مورد تمرکز بر عمل عیسی و عمل کشیش اختلافی جزئی وجود دارد. عیسی بر شاگردان خود دمید تا آنها روح القدس را دریافت دارند؛ و به آنها نقش کهنانت در بخشودن گناهان را عطا فرمود، همان گونه که در رازهای مقدس اجرا می‌شود (تعمید، اعتراف و قربانی مقدس) و در موعظه به کلام خدا. کشیش بر داوطلب تعمید دمیده و تقاضا می‌کند که باقیمانده های بت پرستی از ذهن او دور شود. این عمل نیز به منظور آماده سازی او برای دریافت روح القدس می‌باشد. هر دو مورد به روح القدس مرتبط اند اما نه به شیوه ای مشابه. در انجیل یوحنا روح القدس با دمیدن داده می‌شود. در تعمید، دمیدن یک نوع آماده سازی برای روح القدس است. آنچه که این عمل در تعمید انجام می‌دهد این است که قویاً اشاره می‌کند به اهمیت دریافت روح القدس، روح قدوسی که در روز پنطیکاست همچون باد، حیات را بر کلیسا دمید.

این نیایشها با نشانه گذاری داوطلب بدون وجود روغن و بر پیشانی در میان چشمان پایان می‌پذیرد. مار یعقوب اهل ادسا نیز، که در قرن هفتم زندگی می‌کرد به این مراسم اشاره کرده است. نشانه گذاری با صلیب عمل بسیار متداول در مسیحیت می‌باشد. ما در دعا صلیب را بر خودمان رسم می‌کنیم. اکثر نیایشهای برکت حاوی نشانه گذاری با صلیب است. در واقع آن قدر متداول است که ما ممکن است منظور از معنی آن را از دست داده باشیم. صلیب همان مرکز ایمان ماست؛ صلیب نقطه آشتی ما بین خدا و بشریت است. بر روی صلیب عیسی فدیة ما را به دست آورد؛ ما با خون روی صلیب نجات یافته ایم؛ ما مشاهده کرده ایم که از طریق تعمید به مرگ و رستاخیز مسیح داخل می‌شویم. بنابراین صلیب نماد بسیار مهمی در این مراسم است. در واقع علامت صلیب در میان تمامی رازهای مقدس بسیار مهم است. مار گیورگیس اعراب می‌گوید:

در تمام رازهای مقدس... صلیب با اکرام بر خود کشیده می‌شود،

را اصلاح کند قبل از این که بخواهد به حوضچه (تعمید) نزدیک شود.

این مراسم را مار یوحنا کریزوستوم و مار تئودور که هر دو در انطاکیه مدرس بودند نیز ذکر کرده اند. در واقع در سوریه موضوع ثبت نام داوطلبین به زمان مار اپرم باز می‌گردد.

امروز، خطایای شما پاک می‌شود،

و نام‌های شما ثبت می‌گردد.

کشیش در آب پاک می‌کند؛

و مسیح در آسمان ثبت می‌نماید.

با پاک کردن و ثبت نمودن

شادی تو دو چندان شده است. (سرود عید تجلی ۱۳:۶)

این موضوع آشکارا جنبه ای عملی دارد، یعنی ثبت نام آنهایی که برای تعمید می‌آیند. اما در دعا یک جنبه روحانی در کنار این عمل دیده می‌شود. این تقاضا که «ای خداوند مهربان استدعا می‌کنم نام او را در دفتر حیات خود بنویسی»، اشاره ای استعاری است به کتب مقدسه. در دعای موسی در کتاب خروج ۳۲:۳۲ تقاضا می‌شود «مستدعی است که گناه آنان را ببخشی - اما اگر نبخشی، در آن صورت نام مرا نیز از کتابی که تو نوشته ای پاک فرما». ایده ای شبیه به این کتاب که در آن نام‌های افراد برگزیده، ثبت گردیده توسط عیسی هم انتخاب می‌شود: «شاد باشید که نام‌های شما در آسمان ثبت شده است» (لو ۱۰:۲۰). همان طور که تعمید راز مقدس نجات است، به جاست که ثبت در کتاب نیز در این مقطع باشد. نیایش با این تقاضا ادامه می‌یابد «به او آن نفس الهی خود را بده که فقط پسر یگانه تو بر شاگردان مقدس خود دمید». اینجا اشاره ای است به یوحنا ۲۰:۲۲ هنگامی که عیسی پس از رستاخیز بر رسولان دمیده می‌گوید «روح القدس را بیا بید». این را دمیدن (insufflation) می‌نامند. در مراسم نماز، کشیش نقش عیسی را برعهده گرفته و این عمل انجیل را اجرا

و به خداوند احترام می‌گذارم،
 زیرا که باز کردن دستهایم
 نشانه اوست.
 و کشیدگی دستهای من
 صلیب قائم است.
 هلولویا (غزل ۲۷)

آنهایی که غزل‌ها را به صورتی مشاهده می‌کنند که منشأ تعمیدی دارند باز کردن دست (به طرفین) را با نفی کردن ارتباط می‌دهند، همان‌گونه که در مورد مار سیریل اهل اورشلیم ذکر شد. اما شاید زنده‌ترین گزارش از باز کردن دستها به صورت یک صلیب، در مرگ شهدا دیده می‌شود. یوسیبوس در اثر خود با عنوان «تاریخچه کلیسا»، می‌گوید:

هیچ چیز حیرت‌آورتر از شهادت این قدیسین تحت چنان شکنجه و آزاری نیست (انداخته شدن در برابر شیران)... تو می‌توانستی نوجوانی را ببینی... که بازوان خود را به شکل صلیب دراز کرده، و با ذهنی بدون ترس و راسخ خود را در نیایشهای آرام و متین به قادر مطلق سپرده است.

ما نشان صلیب را بر خود می‌کشیم، زیرا حیات مصلوب شده را برگزیده‌ایم. با چنین عملی باید به ایمانمان به مسیح شهادت دهیم. صلیب، در نظام کلیسایی *Testamentum Domini*، به عنوان «رازی که آشکار می‌شود، و برای ایمانداران است» شناخته می‌شود.

پولس رسول می‌گوید ما مسیح مصلوب شده را موعظه می‌کنیم. داوطلب، در تعمید برای اولین بار نشان صلیب را دریافت می‌کند. در اینجا شخص داوطلب ابتدا به نام خوانده می‌شود. بدین طریق مراسمی که در ارتباط با ثبت نام هستند، در این جا به کمال خود می‌رسند.

* * *

که نشان‌دهنده مرگ خداوندمان است و بدون صلیب حتی یکی از رازهای مقدس در مسیحیت انجام نمی‌پذیرد... و از طریق همان صلیب - یعنی از طریق او که بر آن مصلوب شد - ما آگاهی و شناخت از تثلیث اقدس را به دست می‌آوریم.

بنابراین صلیب، راز مقدس نجات ماست.

ما را پریم درباره صلیب در تعمید چنین می‌سراید:

گوسفندان مسیح شادی می‌کنند،

و در اطراف حوضچه تعمید گرد می‌آیند؛

در آب آن، آنها به شباهت او درمی‌آیند

که صلیب زنده و نیکوست،

که بر آن تمام مخلوقات خیره شده،

و آن بر تمام آنها نقش گردیده. (سرود عید تجلی ۳:۷)

مرسوم است که گوسفندان را در تمامی نقاط جهان با نوعی علامت جهت تمایز مالکیت آنها نشانه گذاری می‌کنند. کلیساها و مسیحیان نیز همین‌طور توسط صلیب نشانه گذاری شده‌اند. این مهر مالکیت است، نشان‌دهنده این که ما به مسیح تعلق داریم، که ما قوم مرتع او و گوسفندان دستهای او هستیم. در واقع از طریق نشانه گذاری با صلیب، جزئی از گله واحد آن شبان یگانه هستیم. او همان‌گونه که جان خود را برای گوسفندانش نهاد، همان‌طور هم از ما انتظار دارد که همین کار را انجام دهیم. بنابراین صلیب تنها نشانه‌ای از یک مزیت نیست که به عنوان یکی از اعضای گله مسیح نشانه گذاری نماید، بلکه همچنین دعوتی است برای شاگرد گران قدر و باارزش بودن.

یکی از غزل‌های سلیمان، از سرودهای بسیار قدیمی سریانی، سرودی زیبا

تنظیم کرده که صلیب را جشن می‌گیرد.

من دستهای خود را باز می‌کنم

در این جارسم براین است که برای آنهایی که جهت تعمید آماده می شوند در طی دوره روزه بزرگ به عنوان اولین کار در شروع صبح درست پس از پایان نماز، توسط روحانیون از ارواح شریر آزاد می گردند.

از این بیان استنباط می کنیم که اخراج ارواح عملی جدید برای آگریا بوده زیرا این عمل در موطن او اسپانیا انجام نمی شد. همچنین مراسم اخراج ارواح شریر در طی روزه بزرگ چندین بار صورت می گرفته و شاید هربار با دعاهای متفاوت. نیایشهایی که ما امروزه داریم به صورت تمرکز یافته تر و همان دعاهایی هستند که جمع آوری شده اند. نتیجه این گردآوری آمادگی بیشتر برای اخراج ارواح شریر در هنگام تعمید است حتی بیشتر از آنچه در زمان پدران کلیسا مرسوم بود. بنابراین بازهم می بینیم که قسمتی از دوره طولانی تعالیم مذهبی به گونه ای تنظیم شده بود که بخشی از آئین نماز امروزی ما را تشکیل دهد.

چرا پدران کلیسا مراسم دفع شریر را جزئی از مراسم قرار دادند؟ بخشی از دلیل آن عقیده قوی آنها درباره نقش شیاطین بوده است. در دیداسکالیا آمده است «ایماندار با روح القدس پرمی شود، اما فرد بی ایمان با روح ناپاک». این مطلب ظاهراً نشان دهنده این است که تمام افرادی که مسیحی نیستند به نوعی در تسخیر (ارواح ناپاک) می باشند. چنین دیدگاهی بسیار دشوار بود اگر تنها نگرش پدران (به این موضوع) می بود، حداقل برای اذهان امروزی. اما پدران کلیسا همگی براین باور نبودند که همه بی ایمانان دارای ارواح ناپاک هستند. مار سیریل اهل اورشلیم دفع شریر را به دو شیوه تفسیر می کند:

بیعانه دفع شریر را دریافت کن، زیرا که چه بر تو دمیده شود یا دفع ارواح گردد، این امر برای تونجات است. این مسئله به این می ماند که گوئی طلا را با فلزات مختلف مخلوط کرده و آلیاژی ساخته

فصل سوم: اخراج ارواح شریر

بخش بعدی آیین را اخراج ارواح شریر تشکیل می دهد، نمایشی دراماتیک از جنگی روحانی. این قسمت از مراسم بخشی است که بعدها اضافه شده. ما در کتاب اعمال توما به مراسم اخراج ارواح شریر برخورد نمی کنیم. اما به دعائی از تقدس روغن برخورد می کنیم با این مضمون: «باشد که بدین وسیله عطیه تو جاری شده و بر دشمنان (تو) دمیده شود و تو باعث شوی که عقب نشینی و سقوط نمایند، و باشد که آن عطیه بر این روغن قرار گیرد». بنابراین به نظر می رسد که سنت دوران اولیه نیز حاوی برخی ایده ها درباره شکست دادن شریر در ارتباط با روغن بوده است. مار اپرم سرود بسیار زیبایی از تجلی دارد که حاوی چنین ابیاتی است:

گوسفند مسیح از خوشحالی جست و خیز می کرد،

تا مهر حیات را دریافت کند

آن نشان پادشاهان که گناه را مجبور به فرار کرده است.

شرارت به واسطه نشان تو ریشه کن شده

شریران به واسطه علامت تو پراکنده گشته اند.

بیا، ای گوسفند، مهر خود را دریافت کن، که آنهایی را

که تو را می بلعد به فرار وا می دارد! (سرود عید تجلی ۳: ۲۴)

این مهر که به آن اشاره می شود تدهینی است با روغن که قبل از تعمید داده می شود. به وسیله آن می بینیم که آن شریر یا اهریمن ریشه کن می شود. اما در عین حال گناهان هم پراکنده می شوند. بنابراین مار اپرم دوجنبه را در این مهر می بیند: شکست اهریمن و مرگ نسبت به گناه. اولین جنبه، با قرار گرفتن مراسم اخراج ارواح شریر در این آیین تعمید به عمل می آید. آگریا هنگامی که به اورشلیم سفر کرد، در یادداشت های خود نوشت:

کمک کردن به فردی که برای او هیچ امیدی وجود نداشت و در زندگی او اهریمنان بسیاری رخنه کرده بودند. عیسی او را به عقل سلیم خود برگرداند و او را روانه کرد تا به دیگران در این باره که خدا برای او چه کرده بود سخن گوید.

دفع ارواح شریر حاوی اشاراتی دیگر بر خدمت روحانی عیسی می باشد. من تو را قسم می دهم به آن کسی که با قدرت و اقتدار الهی به فرد کر و لال گفت «از او بیرون برو و دیگر به او داخل مشو».

در این جا اشاره ای داریم به شفای یک پسر جوان که در انجیل مرقس ۹: ۱۴-۳۲ ذکر شده است. این داستان بدین منظور طرح نشده که بگوید همه آنهایی که کر و لال هستند تسخیر شده می باشند. آنهایی که این داستان را بدین گونه درک کرده اند نشان می دهند که از کتب مقدسه درک اندکی دارند. اما این داستان نشان می دهد که ارواح شریر می توانند تأثیرات فیزیکی (جسمانی) بر افراد بگذارند و این که بعضی از امراض دلائل روحانی دارند. در زمینه تعمید، این قدرت مسیح است که به آن استناد می شود، نه بیرون راندن یک روح کر و لال خاص.

اخراج ارواح همچنین اشاره به رویدادی از عهدعتیق دارد:

من تو را قسم می دهم به او که فرعون سنگدل را با تمام ارا به های جنگی و لشگریانش در آب غرق ساخت.

به عقیده مار باسیلیوس عبور از دریای سرخ در این جا به عنوان نوعی از تعمید دیده می شود:

چیزهای آسمانی اغلب به وسیله نمونه هایی مبهم از قبل نشان داده می شوند... تاریخچه خروج اسرائیل ثبت شد تا نمونه ای باشد برای آنهایی که از طریق تعمید نجات می یابند... دریا، دشمنان را در امواج خود هلاک کرد و تعمید نیز دشمنی ما بین ما و خدا را از بین می برد.

باشند... ما تلاش می کنیم که طلای خالص داشته باشیم، اما این را نمی توان از عناصر بیگانه بدون (استفاده از) آتش، پاک و خالص نمود. به این ترتیب هم بدون دفع ارواح شریر، روح نمی تواند پاک و مطهر شود... اخراج کنندگان ارواح شریر، با دمیدن دم الهی موجب ترس شده و روح را در قالب جسم در آتش قرار می دهند و موجب می شوند که روح شریر بگریزد... و نجات و امید به حیات جاودان، ساکن گردد: و بدین گونه روح، از گناهانش پاک شده نجات می یابد.

توجه کنید که تأکید در این جا بر پاک و مطهر شدن روح به وسیله پاک شدن از گناه و نیز با دفع شریر است. این نیایشها به عنوان آتشی دیده می شوند که روح را از گناه پاک می سازند تا طلای ایمان حاصل شود. امروزه بت پرستیهای جدید و مدرنی وجود دارند که نیازمند ریشه کن شدن هستند، همانند طمع، شهوت برای چیزهای مادی این دنیا و این نظریه که انسان میزانی برای همه چیز است، و نفی موجودیت خدا. تمام این بت پرستیها را باید همراه با اقسام سنت پرستی و گناه به کناری نهاد.

زمینه کتاب مقدس برای دفع ارواح شریر، خدمت روحانی عیسی است. در انجیل می بینیم که او با شریر و ارواح در مبارزه بود. پس از تعمید، روح القدس او را به بیابان هدایت نمود و در آنجا توسط شیطان وسوسه شد. سپس خدمت او در شفا دادن او را بر آن داشت که ارواح شریر را از آنهایی که گرفتار این ارواح بودند، دور کند. دو اشاره به این موضوع در نیایشها وجود دارند:

من تو را قسم می دهم به آن کسی که لژیون اهریمنان را از طریق خوکها به عمق دره پرتاب نمود.

این مطلب اشاره ای است به شفای آن مرد که توسط فوجی از شیاطین تسخیر شده بود، لوقا ۸: ۲۶-۳۹. این داستانی است قوی از عیسی در راه

فصل چهارم: نفی (شیطان و گناه)

اینک به مراسمی بسیار زیبا می‌رسیم که به روشن‌ترین شیوه بیانگر، توبه‌ای است که نقطه آغاز ایمان مسیحی است. عیسی به اطراف می‌رفت و موعظه می‌کرد که «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است». در روز پنطیکاست مردم از پطرس سؤال کردند که چه باید بکنند و او جواب داد «توبه کرده و تعمید یابید». روکردن به شرق و غرب این توبه را به صورتی دراماتیک درمی‌آورد.

در فصل قبل دیدیم که تاریکی و ظلمت نماد قلمرو اهریمن می‌باشد و روشنایی نماد ملکوت مسیح است. این مطلب در آئین نماز به قلمرو طبیعت ربط داده می‌شود، جایی که خورشید در شرق طلوع کرده و در غرب غروب می‌کند. بنابراین روزه غرب کردن، به درون ظلمت نگرستن است. با نگاه کردن به درون تاریکی فرد داوطلب، شیطان را نفی می‌کند: من... که آماده تعمید یافتن هستم، تو را ای شیطان و تمام لشگرها، فرشتگان و تمامی همدستان تو را نفی می‌کنم.

توبه کردن یعنی بازگشت، بازگشت از تاریکی و ظلمت. این بازگشت دربرگیرنده تمام زندگی است؛ پرستش ما، بدین جهت ده فرمان با این حکم درباره پرستیدن تنها خداوند خدا شروع می‌شود؛ زندگی خانواده ما، بدین جهت قوانین درباره ازدواج و زندگی خانوادگی است؛ روابط اجتماعی ما، بدین جهت کتاب مقدس مملو از قوانینی است که جامعه ما را تنظیم می‌کنند و عدالت اجتماعی را به پیش می‌برند. تمام راه‌های اشتباه و کج در این جا نفی می‌شوند. مسلماً وقت لازم است تا راه صحیح را تشخیص داد، اما در تعمید تصمیم اساسی گرفته می‌شود تا تمام شیوه‌های شیطانی ترک و نفی شوند.

مارسیریل اهل اورشلیم می‌گوید که این مراسم مبارزه‌ای برای تمامی

فرعون قلب خود را برضد خدا سخت ساخت. او با به برده کشیدن و غیرقابل تحمل کردن زندگی و با کشتن فرزندان آنها دشمن خدا و قوم خدا گردید. بنابراین یک دشمن واقعاً سیاسی وجود داشت که خدا او را نابود کرد تا نجات را برای قوم اسرائیل به دست آورد. باز هم این قدرت خدا برای نجات است که به آن استناد می‌شود و در این مورد برضد یک شریر تاریخی قرار گرفته بود تا یک روح شریر.

پس دفع ارواح، نبرد میان مسیح و اهریمن را به صورتی داستانی نشان می‌دهد. آن مراسم، جنگ روحانی که کلیسا در آن درگیر می‌باشد را وارد آیین نماز می‌سازد. «زیرا که نبرد ما... بر علیه قدرتهای این دنیای تاریک، و بر ضد نیروهای روحانی شریر در قلمروهای آسمانی است. بنابراین زره خدا را به تن کنید (افس ۶: ۱۲-۱۳). لزومی ندارد که باور کنیم هرانسانی، تسخیر شده است تا هنگامی که تعمید یابد. بعضی‌ها ممکن است خود یا خانواده‌اشان در سحر و جادوگری دست داشته باشند، که شدیداً در کتب مقدسه محکوم گردیده است (تث ۱۸: ۹-۱۳). اما هر شخص به نحوی با نیروی تاریکی تحت تأثیر قرار می‌گیرد تا این که به سوی مسیح بازگردد. «او ما را از قلمرو تاریکی رهانیده و ما را به ملکوت پسر حبیب خود باز آورده است» (کول ۱: ۱۳). منظور از تعمید رهانیدن و بردن به ملکوت پسر است. دفع ارواح، در مورد رهانیدن از تاریکی صحبت می‌کند که می‌تواند چیزهای مختلفی باشد از جمله ارواح، قدرت روح شریر در زندگی یک شخص، مشکلات در یک خانواده. اما آنها به ما یادآوری می‌کنند که کلیسا بر علیه: قدرتهای شیطانی در این دنیا، بی‌عدالتی، ستم کاری و سلطه‌گری مبارزه می‌کند. در فصل بعد این مبارزه را از طریق توصیف انکار نفس نتیجه‌گیری می‌کنیم.

همچنین تاریکی و اعمال شرارت آمیز او رانفی می کند .

فرد داوطلب سپس روبه شرق کرده و می گوید:

من... که آماده تعمید یافتن هستم، رضایت داده و به توای مسیح خدا و به تمام تعلیماتی که از طریق انبیا و رسولان و پدران مقدس تو از سوی آسمان داده شده است ایمان می آورم.

مار سیریل اهل اورشلیم در این باره می گوید:

دروازه های بهشت خدا به روی شما گشوده شده است، آن باغی که خدا در شرق غرس نمود... هنگامی که از غرب به شرق که قلمرو نور است رو کردی، این تغییر در همبستگی را به طور نمادین نداعی نمودی.

به این دلیل است که ما برای نیایش به سوی شرق روی می کنیم. مار باسیلیوس اظهار می دارد:

ما همگی رو به سوی شرق دعا می کنیم، اما افراد اندکی می دانند که ما این کار را بدین علت می کنیم که در جستجوی بهشت هستیم، موطن قدیمی، باغ ما، که خدا در شرق در عدن غرس نموده بود.

مار یوحنا کریزوستوم در رابطه با نفی شیرین مطالبی اضافه می کند:

آیا تو نیکی فوق از تصور خدا را می بینی؟ او از تو فقط کلمات را دریافت می کند، با وجود این واقعیات را که یک گنج عظیم است به تو سپرده است. او ناسپاسی گذشته تو را فراموش می کند و گذشته ات را به یاد نمی آورد او با این کلمات اندک تو خوشنود است.

این عمل ساده و کلمات اندک پاسخ واقعی به تعالیم عیسی را خلاصه می کند؛ توبه.

آئین نماز با خواندن اعتقادنامه نیکیه ادامه می یابد. این اعتقادنامه بزرگ جهانی است و بیان کننده تعالیم کلیساست آن چنان که توسط پدران

حیات به ما می دهد.

اینک به این توجه کن: هرآنچه تو می گویی، مخصوصاً در آن لحظه ترس و حیرت، در دفاتر خدا ثبت می شود. بنابراین وقتی که برعلیه سوگند خود رفتار می کنی، تو را به عنوان یک متجاوز محکوم خواهند نمود.

مار سیریل خاطره همسر لوط را اضافه می کند. او کسی بود که عازم شد ولی بعد به عقب برگشت و به ستونی از نمک تبدیل گردید.

مار یوحنا کریزوستوم اهمیت زیادی در این چند عبارت می بیند:

زیرا فرشتگانی که حضور دارند و قدرتهای نامرئی از تبدیل و برگشتن توشادی می کنند و کلام را از لبان تو دریافت می دارند و آنها را به حضور ارباب همه چیز می برند، که در آنجا در کتابهای آسمانی حک می شوند.

مار تئودور به این عبارات به عنوان نقطه بازگشتی در نجات ما می نگرد:

در آن زمان که، با تولد اولین عضو از نسل تو آغاز می شود، از شیطان اطاعت نمودی و به سختی ها و مصائب بسیاری گرفتار شدی. بنابراین باید عهد کنی تا از او که مصائب و آزار را از دستهایش تجربه کرده ای روی گردان شوی... اما حال که حکم الهی با دفع ارواح شریر آزادی تو را جایز شمرده تو صدای خود را به دست آورده و با شجاعت اعلام کن که او را نفی و انکار می کنی.

مار تئودور در ادامه به برخی از چیزهایی که نفی می شوند منجمله عقاید بدعت گذاران، فال گیری، بت پرستی و «فربیکاریهای دنیوی» اشاره می کند.

موسی بارکیفا گفتار پدران کلیسا را جمع بندی نموده و می گوید ، «غرب قلمرو تاریکی است. این که او به غرب رو می کند و شیطان را نفی می نماید نشان دهنده این است که او شیطان را که ظلمت می باشد، و

در آئین فعلی به جای کودک، ولی او صحبت می‌کند. بنابراین اولیاء یک وظیفه بسیار مهم برعهده دارند. در قرن چهارم بیشتر افرادی که تعمید می‌یافتند بزرگسالان بودند و بدین سبب از جانب خودشان صحبت می‌کردند. نقش ولی این بود که در برابر اسقف بر شخصیت خوب فرد داوطلب شهادت دهد، همان طوری که دیده ایم. ولی هنگامی که شرایط تغییر کرد و بسیاری از افراد تعمید یافته کودکان بودند، ولی وظیفه پرهیبت سخن گفتن به جای کودک را برعهده گرفت.

بعضی از پروتستانها رسم تعمید کودکان که در آن ولی به جای کودک صحبت می‌کند را مردود می‌دانند. آنها می‌گویند که فقط داوطلبینی که می‌توانند شخصاً به ایمان خود اعتراف کنند افراد مناسبی برای این منظور هستند. اما به نظر می‌رسد که هیچ دلیلی برای نفی این که تمام افراد خانواده در کتاب اعمال رسولان تعمید یافتند وجود ندارد (اع ۱۶:۱۵، ۱۶:۳۳) که شامل کودکان نیز می‌باشد. همین طور هم نظام کلیسای «سنت رسولی» که در شرق بسیار رواج دارد، حاوی تعمید کودکان است. مجالی برای آوردن دلایل بیشتر جهت درست بودن تعمید کودکان وجود ندارد. فقط باید توجه کرد که این نیز قسمتی از سنت پدران کلیسا است. بسیاری از کلیساهای اصلاح طلب به مراسمی ادامه دادند که کلیساهایی مانند CSI با آنها مرتبط هستند. فقط پروتستانهای رادیکال آن را رد کرده می‌گویند که باید «تعمید ایمانداران» وجود داشته باشد.

بعضی از سخنان مار یوحنا کریزوستوم امروزه کاملاً با ما متناسب هستند. هیچ چیز بیشتر از اجرای نامناسب مراسم تعمید، مفید بودن تعمید کودکان را بی ارزش و فاقد اعتبار نمی‌سازد. او درباره پدران و مادران تعمیدی روزگار خود می‌گوید:

آنها نباید تصور کنند که کاری که انجام می‌دهند یک اقدام معمولی است. بلکه باید کاملاً آگاه باشند که در اعتبار آن شریک

مقدس به دست ما رسیده است. اعتقادنامه‌هایی که سایر کلیساها در مراسم تعمید قرائت می‌کنند همیشه این اعتقادنامه نیست. آشکاراست که قبل از شورای نیقیه در سال ۳۲۵ میلادی اقرار نامه‌های دیگری از ایمان مورد استفاد ه قرار می‌گرفتند. در واقع سمبل اعتقادنامه نیقیه که براساس یک اعتقادنامه تعمید قرار دارد، سه بخش را در رابطه با سه اقنوم تثلیث اقدس که با سه بار فرورفتن در تعمید کلیسای اولیه مرتبط می‌باشد اذعان می‌دارد.

اگر شما در آئین لاتین کلیسای کاتولیک رومی برای مشاهده راز قربانی مقدس شرکت نمایید شاید متوجه شوید که به اعتقادنامه نیقیه چیزی اضافه شده است. شما افرادی را خواهید یافت که درباره روح القدس می‌گویند «که از پدر و پسر صادر می‌شود». در کلیسای لاتین این جمله یک کلمه است Filioque و به اعتقادنامه مورد استفاده در غرب اضافه شده است. بعضی‌ها فکر می‌کردند که این نشان‌دهنده اختلاف در الهیات مربوط به تثلیث اقدس می‌باشد. اما این جر و بحثی بود که ابعاد وسیعی یافت و متأسفانه یکی از دلایل ایجاد شکاف در میان کلیساهای شرق بیزانترین و غرب لاتین بود. کلیساهای غرب شروع به شناخت این موضوع نموده‌اند که غیرقابل قبول است که اعتقادنامه ایمان را که در سطح جهانی بر آن توافق وجود داشته است به طور یک جانبه تغییر داد و بعضی‌ها شروع به استفاده از نمونه اصلی و اولیه این سمبل ایمان نموده‌اند.

اضافه نمودن اعتقادنامه نیقیه در آئین تعمید ما، نسبتاً هم مربوط به ناشران اخیر است که مراسم تعمید را در قالب راز قربانی مقدس شکل داده‌اند. این روند حداقل از قرن هفتم شروع شده و می‌توان آن را در مفاد، رساله رسول و انجیل، اعتقادنامه نیقیه، و در نیایشهای مربوط به آب شامل دعای استغاثه همراه با لرزاندن دستها مشاهده نمود. تمام این مشابهت‌ها با راز قربانی مقدس، یادآور این است که این دو راز مقدس به طور نزدیک با یکدیگر مرتبط می‌باشند.

فصل پنجم: روغن تدهین

تعداد دفعات تدهین و موقعیت آنها در آئین نیایش در طول تاریخ کلیسا متغیر بوده است. کتاب اعمال توما نشان دهنده یک تدهین است که قبل از مراسم تعمید انجام می شد. متون فعلی کلیسای ارتدکس از آمریکا به دو تدهین قبل از تعمید اشاره می کنند و در آئین فعلی در کراالا فقط یک تدهین وجود دارد. در کلیسای زمان حاضر تفاوتی وجود دارد، حتی در زمان علمای بزرگ کلیسا هم تفاوتی وجود داشته است. مار یوحنا کریزوستوم و مارتئودور در انطاکیه موعظه می نمودند، مار یوحنا به دو تدهین قبل از تعمید و یک تدهین با روغن (chrism) و مارتئودور به دو تدهین قبل از تعمید و یک تدهین باروغن بعد از آن اشاره نموده اند. این تفاوت باعث بحث های زیادی مابین دانشمندان شده است، که در این جا چندان مورد توجه ما نیست، زیرا هدف و منظور این کتاب روشن سازی آئین امروزی است و نه حل درهم ریختگی های تاریخی این مراسم.

دو نوع روغن زیتون در تعمید مورد استفاده قرار می گیرد: زیت (Syth) و میرون (chrism). اولین نوع تدهین با زیت است. روغن نقش مهمی را در کتاب مقدس به عهده دارد. کبوتر از روی آنها به سوی (کشتی) نوح پرواز نمود در حالی که یک شاخه زیتون بر منقار داشت و این نشان دهنده آن بود که جریان سیل در حال فروکش کردن است (پید ۸: ۱۱). سراینده مزموور خود را به یک درخت زیتون تشبیه می کند که در خانه خدا در حال شکوفا شدن است (مز ۵۲: ۸). پولس رسول نیز قوم خدا را همانند یک درخت زیتون می بیند. خدا زیتون وحشی، یعنی امت ها را به آن درخت پیوند زده است (روم ۱۱: ۱۷-۲۴). این موضوعات، یعنی نجات، توکل بر خدا، و داخل شدن در قوم خدا برای تعمید بسیار مناسب هستند.

هستند اگر بتوانند افراد تحت مسؤولیت خود را در راه کسب فضائل و با نصیحت کردن، هدایت و راهنمایی نمایند اما اگر آنها بی توجهی نشان دهند، در آن صورت محکومیت سختی بر آنها قرار خواهد گرفت.

اینها سخنان مهمی برای والدین تعمیدی امروز هستند که باید آنها را رعایت کنند. ولی تعمیدی چه کاری می تواند انجام دهد؟ یکی از مهمترین وظائف این است که به طور منظم برای کودک دعا نماید. ولی تعمیدی بودن یعنی بیشتر از چند کلمه در روز صحبت کردن با شخص تعمید یافته. لازم است که فرد داوطلب را هم به وسیله نمونه زندگی خداپرستانه و هم بانصیحت های متناسب هدایت نمود. این وظیفه تا آن زمان ادامه می یابد که ایمان به بلوغ برسد و حتی آن وقت هم دعا برای آنها ضروری است. بنابراین لازم است که با تعمقی دقیق صورت پذیرد.

* * *

با روغن شادمانی بر پیشانی علامت گذاری می شود. به نظر می رسد که یک تفاوت در گذشته در رابطه با تدهین روی پیشانی و سپس بر روی تمامی بدن وجود دارد. این دو تدهین را می توان در آئین نماز آمریکایی ها مشاهده نمود. در کلیسای اولیه، هنگامی که افراد داوطلب را بزرگسالان تشکیل می دادند، از شماسان زن جهت تدهین زنان استفاده می شد. حفظ نجابت لازم است اگر قرار باشد که تمام بدن زنان تدهین شود، بنابراین شماسان زن برای این منظور و برای سایر خدمات روحانی دستگذاری می شدند. به این موضوع در دیداسکالیا تأکید شده است.

در موضوعات بسیار دیگر نیز خدمت یک زن، یعنی یک شماس زن، لازم است... اینها (زنان) که در آب فرو می روند باید توسط یک شماس زن تدهین شوند... مناسب نیست که زنان را مردان ببینند... (کشیشان) پیشانی آنها را که تعمید می یابند تدهین می کنند... سپس... چنین باشد که... یک شماس زن، زنان را تدهین کند. اما بگذار یک مرد استغاثه نام های الهی را در آب بر آنها اعلام نماید... بگذار که شماس زن او (زن) را پذیرا شده به او تعلیم و تذکر دهد... خدمت روحانی یک زن، یعنی شماس زن واقعاً مورد نیاز است و مهم می باشد... یک شماس زن لازم است که به خانه بی ایمانان که در آنجا زنان ایماندار زندگی می کنند برود و از آنها بی که بیمارند عیادت نماید.

کاهش در تعمید بزرگسالان، نه فقط منجر به تغییراتی در معماری کلیسا شد - به عنوان مثال حوضچه تعمید در درون کلیسا ضمیمه گردید - بلکه همچنین در نظام مراتب روحانی، با کاهش تدریجی دستگذاری زنان شماس تغییراتی را نیز باعث گردید.

مار تئودر، تدهین قبل از تعمید را یک مراسم مهم تلقی می کند.

آن مهر که تو در این مقطع دریافت می کنی تو را برای همیشه

برخی از نویسندگان سریانی باور داشتند که درخت حیات (پید ۳: ۲۲- ۲۴) یک درخت زیتون بوده است. مار سیریل اهل اورشلیم می گوید: «شما تدهین یافتید... و در درخت نیکوی زیتون، عیسی مسیح، شریک شدید». در واقع مار اپرم درباره مسیح می گوید:

او درخت حیات است، دهنده حیات

به همه چیز به وسیله میوه هایش.

بنابراین مسیح هم آن مسح شده وهم درخت زیتون بود.

قبل از تدهین لباسهای کودک را در می آورند «آنها وارد محل تعمید می شوند». در کلیسای اولیه تعمید را در یک اتاق مجزا انجام می دادند. از روی کاوشهای باستان شناسی ما می دانیم که در آن اتاق حوضچه ای وجود داشته، به طوری که فرد داوطلب می توانسته در آن در آب فرو رود. وجود اتاقی مجزا ضروری بوده زیرا که اکثر داوطلبین، بالغ بودند و در نتیجه به محلی خصوصی نیاز داشتند. افراد داوطلب می بایستی برای تعمید عریان می شدند. هنگامی که تعمید نوزادان مرسوم گشت، این امکان به وجود آمد که در کلیسا حوضچه ای وجود داشته باشد. اما کلیسا به سنت در آوردن لباسها ادامه داد. مار سیریل اهل اورشلیم درباره کردن لباسها می گوید:

این (عریانی) سمبلی است از عاری شدن شما از «انسانیت کهنه و عادات آن»، و با کردن لباس و عریان شدن... تو از مسیح عریان بر روی صلیب تقلید می کنی. تو در برابر چشمان همگان عریان ایستادی و شرمنده نبودی. تو در حقیقت بازتاب اولین ولی آفریده شده ما آدم هستی، که در بهشت عریان ایستاد و شرمنده نبود».

مار سیریل در این اقدام ساده سه مطلب را می بیند: پاک کردن گناه، تقلید از صلیب، بازگشت به معصومیت آدم. تمام اینها ذاتاً مربوط به تعمید هستند و مفهوم این رسم را توضیح می دهند.

روشن نیست که آیا رساله اول یوحنا به تدهین روحانی اشاره دارد یا به تدهین جسمانی . . . تدهین قبل از تعمید، راز آمادگی است برای واقعیت روحانی که رسول درباره آن چنین نوشته است: کار درونی روح القدس. بدین شکل، این رسم و عادت بسیار سودمند و مفید است که پدران به ما داده اند.

موضوع نیایش به هنگام تدهین، مطلبی است برای آماده سازی «تا این که او لایق پذیرش فرزندخواندگی از طریق تولد دوباره باشد». در تعمید ما دوباره به عنوان پسران و دختران پادشاه متولد می شویم. این انتخاب پرفیض خدا از طریق انجیل است. مسیح در هنگام تعمیدش به عنوان پسر معرفی و اعلام شد، و روح القدس بر او قرار گرفت. ما در تعمید فرزندان خدا می شویم، زیرا در تعمید مسیح از طریق روح القدس متحد می گردیم. ما هیچ حقی برای این که مسیحی شویم نداریم. ما از هنگام تولد نیز مسیحی نیستیم، خدا ما را انتخاب می کند، به وسیله او انتخاب شده ایم تا دختران و پسران باشیم و تمام اینها برحسب فیض انجام می گیرد. روغن ما را برای این دعوت عالی آماده ساخته و یادآوری می کند که ما نیازمند فیض هستیم تا لایق دعوت خدا باشیم.

* * *

به عنوان گوسفند مسیح علامت گذاری می کند، یعنی به عنوان سرباز آن پادشاه آسمانی. همین که گوسفندی خریداری می شود بر او علامتی می گذارند تا مالکش رامشخص نمایند... هنگامی که سربازی انتخاب می شود... فوراً دستهای او را خالکوبی می کنند تا معرف امپراتوری باشد که در خدمت او نام نویسی کرده است. تو را برای ملکوت آسمان انتخاب کرده اند، تو نیز می توانی به عنوان سرباز پادشاه آسمانی شناخته شوی.

خالکوبی سرباز، نمونه ای است از روزگار خود او. اما علامتگذاری گوسفند هنوز هم در بسیاری از نقاط جهان رایج است. مارگیورگیس اعراب، تدهین قبل از تعمید کل بدن در زمان خود را، در نور یک مبارزه می بیند.

این که تمام بدن او تدهین می شود، ثابت می کند که او مبارزه با شیطان را شروع می کند. زیرا او نیز که باروغن تدهین شده است همراه با انسانها وارد مبارزه می شود. تا که دستهای کسانی که با او مبارزه می کنند از روی او بلغزند. بنابراین این جا نیز، روغن یک سلاح شکست ناپذیر برضد اهریمن است.

حتی امروزه نیز روغن در ورزش کشتی اهلالی ترکیه به کار گرفته می شود. اما در آئین امروزی روغن را به عنوان آمادگی برای دوباره متولد شدن در نظر می گیرند.

عبارت روغن شادمانی از انجیل گرفته شده است. مزمور ۷:۴۵ می گوید «خدا تو را با روغن شادمانی بیشتر از همراهانت تدهین کرده است». این سرود درباره پادشاهی است که در عهد عتیق با روغن مسح شد (۱- سمو ۱۰:۱ و ۱۶:۱۲-۱۳). عیسی پادشاه ما با روح القدس مسح شد (لو ۱۸:۴). و ما نیز مسح شده ایم (۱- یو ۲:۲۰ و ۲۷). آشکار است که عیسی به نزول روح القدس اشاره می کرد و نه به تدهین جسمانی.

حوضچه یک بطن است زیرا که در آن افراد دوباره متولد می شوند. این نظریه ای بسیار قدیمی در آموزه کلیسای سریانی است. ماراپرم تولد انسانی را (در این مورد تولد ارمیا) با تولد تازه در تعمید مقایسه می کند:

او ارمیا را در بطن تقدیس نموده و تعلیم داد.

اما اگر آغوش بی مقدار ازدواج

در باروری او تقدیس شد و او را به وجود آورد،

چقدر بیشتر تعمید، تقدیس خواهد نمود

بارور شدن و به دنیا آمدن

آنجایی که پاک و روحانی هستند!

زیرا در آن جا در درون بطن

بارور شدن تمام انسانها صورت می گیرد؛

اما این جا با بیرون آمدن از آب

تولدی شکل می گیرد که لایق (افراد) روحانی است.

(سرود عید تجلی ۸: ۹)

مار تئودور شرح می دهد:

کسی که تعمید می یابد، در آب همانند در نوعی از بطن ساکن می شود... هنگامی که تعمید یافت و با فیض الهی روح القدس پر گشت، طبیعت وی به طور کامل از نو شکل می گیرد.

تولد نوین چیزی اساسی است: طریق نوین زندگی، زندگی درروح القدس.

مار سوروس حوضچه تعمید را «مادر جدید و روحانی می نامد که از بطن خود به افراد مسیحی تولد روحانی می دهد». در نظم تعمید متناسب به تیموتی اهل اسکندریه این استغاثه صورت می گیرد،

به جای بطن حوا که فرزندان فناپذیر و مستعد فساد به وجود آورد شاید این رحم آب فرزندان تولید نماید که آسمانی، روحانی و فناپذیر باشند.

فصل ششم: برکت دادن آب

اینک تمرکز آئین نماز از فرد داوطلب به آب جلب می شود. فرو رفتن و یا شستن در آب عمل اصلی در تعمید است. بنابراین کاملاً طبیعی است که توجه ما به این سمبل قوی معطوف گردد، زیرا در مراسم جایگاه اصلی را دارد. مار تئودور درباره آب چنین می نویسد:

تو در آب که توسط اسقف تبرک داده شده است فرو می روی. تو را

در آب معمولی تعمید نمی دهند بلکه در آب تولد دوباره. آب

معمولی می تواند به چیز دیگری تبدیل شود مگر با آمدن روح القدس.

در روزگاری که این مطالب نوشته می شد، اسقف بر رسم تعمید نظارت یا ریاست می کرد. چون داوطلبین افراد بزرگسال بوده و دوره ای طولانی از آمادگی را گذرانیده بودند، فقط چندبار در سال مراسم تعمید برگزار می شد. در قرن چهارم در انطاکیه اکثر داوطلبین در مراسم عید قیام تعمید می یافتند. ایجاد تغییر جهت تعمید دادن کودکان بدین معنی بود که مراسم تعمید می تواند به دفعات بیشتری برگزار شود بدین سبب که نقش اسقف در تعمید به کشیش محول و واگذار می شد.

اولین رسم، مخلوط کردن آب گرم و سرد است. به نظر می رسد که این عمل بسیار دیرتر صورت گرفته باشد چون پدران اولیه در مورد آن توضیحی نداده اند. دعائی که همراه با این اعمال خوانده می شود حاوی تعلیمی مهم درباره تعمید است.

مخلوط کن... در این آب... قدرت و عمل روح القدس خود را...

تا این که به بطن روحانی و کوره ای از آتش تبدیل شود... لباس

روحانی برخادم خود ببخش که در آن تعمید می یابد...

به سه چیز باید توجه بیشتری نمود: بطن، کوره آتش و لباس (رسمی).

آبها در تعمید من تقدیس خواهند شد
 آنها آتش و روح القدس را از من دریافت خواهند کرد
 اگر من تعمید نیابم آنها نقش صحیح خود را
 که همانا بار آوردن نسلی جاودانی است
 به کمال نخواهند رسانید . (سرود عید تجلی ۱۴:۳۲)

مار تئودور بازهم به این بحث ادامه می دهد:

آبی که تودران داخل می شوی همانند کوره زرگری است که در آن
 به طبیعتی والاتر تغییر شکل می دهی: تو فناپذیری کهنه خود را به
 کناری می نهی و طبیعتی را می پذیری که کاملاً فناناپذیر است.

طبیعت کدر و فاسد ما در این کوره تعمید، تصفیه می شود به نحوی که
 طبیعتی جدید و فناناپذیر بتواند بنا شود.

موضوع البسه حتی از این هم جالب تر است. در یک بیت مارا پرم
 داستان نجات را بدین شیوه توصیف می کند:

در تعمید، آدم بار دیگر آن شکوه را یافت
 که در میان درختان عدن وجود داشت
 او فرو رفت و آن را از آب دریافت کرد،
 او آن را پوشید، و بالا آمد، و به آن مزین گردید.

متبارک است آن که برهمگان رحیم است. (سرود عید تجلی ۱۲:۱)
 در بهشت آدم به ردای جلال ملبس بود. با خدعه و نیرنگ این ردا را از
 دست داد. اما مسیح دوباره آن ردا را به ما می دهد که در تعمید در بر کنیم.
 به این موضوع در غزلهای سلیمان هم اشاره شده:

من با پوشش روح قدوس تو ملبس شدم

من البسه پوستین را از خود دور نمودم (غزل ۲۵:۸)

این مطلب اشاره به پوستینی دارد که به آدم و حوا پس از نافرمانی آنها از خدا
 داده شد. در تعمید، پوستین ها به دور افکنده شده و ما به روح القدس ملبس

این نشان دهنده آن نوع از تولد نوین است که صورت می پذیرد.
 این تصویر از بطن، رابطه ای نزدیک مابین تعمید و مریم باکره در شعر
 سریانی به وجود می آورد. مار یعقوب اهل سروق مراحل ایستگاهی
 متفاوتی را برای عیسی می بیند. او در یکی از اشعارش می گوید:

او در آن ایستگاه اول، که مریم است، ساکن گردید

و ولادت یافت تا بتواند به عنوان انسان جهان را ملاقات کند

او به ایستگاه دوم رسید که تعمید است،

و در آن ساکن گردید، تا جنگجویان را به زره ملبس سازد.

(موعظه منظوم ۷:۲۰)

او هم چنین می گوید:

مریم جسمی به کلمه خدا داد تا متجسم شود

در حالی که تعمید، روح القدس را به انسان می دهد تا تازه شود.

در یک دعای قدیمی سریانی آمده است:

خداوند به اراده خودش و توسط اراده شما، به خاطر ما در جهان در
 سه منزلگاه متفاوت، ساکن شد: در بطنی از گوشت، در بطن
 تعمید، و در منزلگاه پرهیبت هاویه.

بنابراین از طریق وارد شدن مسیح به (رود) اردن، آبها به بطنی تبدیل
 شدند که در آن ما دوباره تولد یافته و تازه می شویم.

شاید به نظر عجیب برسد که از آب به عنوان کوره آتش صحبت کنیم.
 آیا آب و آتش متضاد نیستند؟ اما در این صورت باید به یاد داشته باشیم
 که تعمید عیسی توسط روح القدس و آتش است. ما می دانیم که آتش یکی
 از سمبل های خداست. بدین سبب هنگامی که عیسی به درون آبهای
 (رود) اردن وارد شد، آتش به درون آب وارد شد. مارا پرم این را به صورت
 سرودی مکالمه ای میان عیسی و یحیی تعمید دهنده کامل می کند. عیسی
 می گوید:

که «کلیسا و گله تو توسط صلیب نجات داده شده اند و ایستاده در کنار سیل آبهای رودخانه اردن استغاثه می کنند...». در این دعا هر حوضچه را به عنوان رود اردن در نظر گرفته اند زیرا در رازهای مقدس ما به زمان و فضای تقدیس شده منتقل می شویم در جایی که همه چیز بامسیح متحد می شوند. قوم اسرائیل از رود اردن عبور نمود تا به سرزمین موعود داخل شود (یوشع ۳: ۱۴-۱۷): از نعمان خواسته شد تا در (رود) اردن خود را بشوید (۲- پاد ۵: ۱۴). و این که عیسی نیز در (رود) اردن تعمید یافت (مر ۱: ۹). در واقع عیسی با تعمیدش آبهای هر حوضچه (تعمیدی) را تقدیس نمود، چنان که مارا پریم می گوید:

عیسی قدرت خود را با آب مخلوط نمود...

متبارک است او که نزول کرد و آب را

برای زدودن گناهان فرزندان آدم تقدیس نمود! (سرود عید تجلی ۹: ۵) مار ایگناتیوس نیز گفته است «او تسلیم تعمید شد، تا به واسطه درد و رنج خود بتواند آب را تقدیس نماید» (افس ۸: ۲). در واقع ۳۵ اهل سرورق می گوید که مسیح آبها را تقدیس نمود،

روح القدس نزول نکرد تا آب را تقدیس کند

تا این که پسر قدوس

تعمید یابد، زیرا از پسر بود که

تقدیس شدن جاری گشت. (موعظه منظوم ۷: ۱۲۵)

نتیجه فرو شدن مسیح به درون آبهای اردن، تقدیس شدن آب تعمید ماست. بنابراین هر حوضچه (تعمید) یک اردن مجازی است. در مسیح ما همگی در (رود) اردن تعمید یافته ایم. در فصل بعدی نگاهی به سایر نیایش ها برای تقدیس آب خواهیم انداخت که دوباره بر نقش روح القدس تأکید می کنند.

* * *

می شویم. مار یعقوب اهل سرورق از این ردا بدین شیوه صحبت می کند، مسیح برای تعمید آمد، در (آب) فرو رفت و در آبهای تعمید ردای جلال را نهاد تا آنچه را که آدم از دست داده بود برای او دوباره آن جا باشد.

در واقع وی درباره آن ردا اعلام می کند،

پدر آن را آماده کرد، پسر آن را بافت، روح القدس آن را برید،

و تودر (آب) فرو رفتی و آن را از آبها به شیوه ای الهی دربر کردی.

بنابراین ملبس شدن در تعمید با آن جلالی همراه است که آدم قبل از نافرمانی (از خدا) دریافت کرده بود. دعوت ما به این است که به حیاتی زیست کنیم که این حقیقت روحانی را آشکار می سازد.

اقدام بعدی کشیش دمیدن بر آب است، تقاضا برای تقدیس شدن آن.

این دعا به مسیح که بر شاگردان دمید توجه دارد. «اینک عطا کن... آن دمی را که پسر یگانه تو بر شاگردان مقدس خود دمیده است». دعا به جهت برکت دادن است به این طریق، یعنی عملکرد روح القدس در قدرت پاک کنندگی، اما این بار در مورد آب. بنابراین با دمیدن در شکل یک صلیب، کشیش دعا می کند «بر این آب رجوع کن... و آن را تقدیس نما».

دعای بعدی، مزمور ۷۴: ۱۲ را انتخاب می کند «تو دریا را با قدرت خود

منشق ساختی و سر نهنگان را در آبها متلاشی کردی». منشق کردن دریا

نوعی تعمید است. از طریق دریا قوم اسرائیل به نجات رسید. از طریق

تعمید اسرائیل جدید نجات داده می شود. مزمور نویس درباره فتح روحانی

عبور (از دریا) تعمق می کند. وحوش سمبولهای اهریمن هستند که توسط

خدا شکست خوردند. اکنون نیز همچون آن زمان است، بنابراین کشیش

دعا می کند «باشد که سر وحش... در زیر نشان صلیب تو له شود» این

دعای دفع شریر بر اساس دیدگاه مزمور نویسان درباره پیروزی خدا بر تمامی

دشمنان روحانی بنا شده است. دعا برای رحمت و بخشش این گونه است

روح، از پدر تقاضا می‌کند تا به وسیله روح القدس، که بر آنها و بر فرد داوطلب و تمام افرادی که حاضر هستند نزول می‌کند، تقدیس نماید. این مسئله ما را به یاد نیاز به احیای دائمی در روح القدس می‌اندازد. روح القدس قلمروی نیست که به پنطیکاستیها واگذار شود، زیرا سنت سریانی مطالب بسیاری برای تعلیم در مورد حیات در روح القدس دارد. روح القدس کیست؟ نیایش طلب روح این را کاملاً آشکار می‌سازد که روح القدس خداست. خدا تثلیث است، پدر و پسر و روح القدس، و هر کدام از این اقانیم به تساوی خدا هستند. بنابراین روح القدس در تخت پادشاهی مساوی است با یکتا مولود و با پدر قادر مطلق. دعای نزول روح القدس هم چنین می‌گوید: که روح القدس از پدر جاری می‌شود (یو ۱۵: ۲۶) و از پسر گرفته می‌شود (یو ۱۶: ۱۵). این نیایش هم چنین به برخی از اعمال روح القدس در طرح نجات اشاره می‌کند «او که از طریق شریعت و انبیاء و رسولان صحبت نمود، که در همه جا حاضر است، و تمام فضا را پر می‌کند، و قدوسیت را به کمال می‌رساند». روح القدس بر همگی ما نزول می‌کند تا کمک کند در قدوسیت رشد نماییم، و ما را در اطاعت از اراده پدر هدایت می‌کند.

مار تئودور می‌گوید که اسقف دعا می‌کند «از خدا تقاضا می‌کنم تا اجازه دهد فیض روح القدس بر آنها قرار گیرد». بنابراین نیایش نزول روح القدس، در آئین نیایش تعمید تاریخچه ای طولانی دارد. کلمات به کار رفته در تعمید، با نیایش تقدیس مرقس رسول در کلیسای قبطی مترادف اند. با پیروی از طرح نیایش نزول روح القدس در راز قربانی مقدس، کشیش دعای «ای خداوند، مرا اجابت فرما» را سه بار تکرار می‌کند. این دقیقاً همان دعایی است که در راز قربانی مقدس خوانده می‌شود و نیز در دعای ایلیا برفراز کوه کرمل (۱- پاد ۱۸: ۳۷). در این جا نیز اشاره ای دیگر بر شکل آئین نماز بر طبق روال راز قربانی مقدس وجود

فصل هفتم: آب و روح

توجه و تمرکز آئین نماز بیشتر بر آب است تا برفرد داوطلب تعمید و نیایشها اینک به سمت رابطه میان آب و روح القدس جهت می‌گیرند. کشیش... دستهایش را برفراز آب به لرزش در می‌آورد و روح القدس را به نزول در آن دعوت می‌کند. این عمل ساده و شناخته شده ما را به یاد برخی آیه‌ها در کتاب مقدس می‌اندازد که قبلاً درباره آنها بحث نموده‌ایم. روح القدس، همانند یک پرنده برفراز آنها در آفرینش در حرکت بود (پید ۱: ۲). روح القدس همانند یک کبوتر بر عیسی در آبهای (رود) اردن فرود آمد (لو ۳: ۲۱-۲۲). عیسی به ما تعلیم داد که ما باید از آب و روح دوباره متولد شویم (یو ۳: ۵). تعداد زیادی از موعظه‌ها در رابطه با این عمل بیان می‌شوند.

کشیش می‌گوید: «خدای پدر قادر مطلق... بر ما و بر این آب که اینک تقدیس می‌شود بفرست از... آغوش بی‌نهایت خود روح القدس را... که از تو صادر می‌شود و از پسر گرفته می‌شود، او در تخت پادشاهی تو با تو... و در تخت یکتا پسر مولودت با او برابر است». این نیایش که روح القدس را دعوت به نزول می‌کند نیایش طلب نزول روح القدس (epiclesis) نامیده می‌شود. این نیایش در کلیساهای شرق همواره نیایشی مهم بوده است. این نیایش در مراسم راز قربانی مقدس خوانده می‌شود: همینطور هم در این جا در مراسم تعمید. توجه کنید که این نه تنها یک درخواست برای قرار گرفتن روح القدس بر آبهاست، بلکه در آن از روح القدس تقاضا می‌شود که بر تمام ایمانداران حاضر قرار گیرد. زندگی مسیحی، زندگی در روح القدس است. به دفعات نیازمند این هستیم که با روح القدس و تجربه تازه شدن از خداوند پرشویم. بنابراین نیایش نزول

به موضوع، کمکی به ما نخواهد کرد. پدران کلیسا درباره هر عملی با هم توافق ندارند، زیرا واقعیتی که در هر عمل تداعی می شود بیش از هرگونه تفسیری است که ما می توانیم بدهیم. نگرش کلیساهای شرقی این نیست که سعی کنند با طبقه بندی های عینی موضوع را تفسیر نمایند، بلکه تا با نگاهی اجمالی و با استفاده از ابهام بر موضوع بنگرند. نجات چیزی نیست که ما بتوانیم آن را معقولانه و بدون هیچ وسیله کمکی تحلیل و بررسی کنیم. ما آن را تجربه کرده و سپس درون آن جهت درک کردن رشد می کنیم. راز میرون در آب، از جنبه های احیاکننده نجات صحبت می کند، که تولد از روح است.

چون آب و روح القدس با تعلیم عیسی متحد می شوند، بنابراین در تعمید سریانی آب و روغن نیز یک می شوند. این اتحاد دوبار اتفاق می افتد، هم در هنگام ریختن روغن در آب و هم بعداً در تدهین داوطلب بعد از تعمید. پدر پولس ورگیز، در توضیح تفاوت بین تأیید و تدهین با روغن چنین نتیجه گیری می کند «مراسم تدهین با روغن... چیزی نیست که به دنبال تعمید بیاید و بتوان آن را از تعمید جدا نمود»، آن طوری که در مورد آئین تثبیت در سنت غربی اتفاق افتاده است. «روغن به اصطلاح با آبهای تعمید و تحت آن و جدانشدنی از آن است». دیدگاه این مطلب به کلمات عیسی در انجیل یوحنا باز می گردد، که «تو باید از آب و روح متولد شوی». کلیسای سریانی با حفظ سنت خود از مشکلاتی که کلیساهای غربی هر روزه بیشتر در مورد تأیید پیدا می کنند دوری جسته است، سنتی که کلیساهای کاتولیک لاتین از آن پیروی می کنند. در ابتدا راز تثبیت فقط بلافاصله پس از راز تعمید برگزار می شود اما اینک آن را چنین می نامند «عادتی در جستجوی الهیات»، زیرا معنی آن و موجه بودن آن که از تعمید گرفته می شود به مرور بیشتر مبهم می گردند. در حالی که نشان صلیب با میرون برآب رسم می شود، کشیش ابیاتی را از کتاب مزامیر

دارد که توسط تصحیح کنندگان بعدی متون مراسم نماز انجام شده. دعای ایلیا و نزول آتش از آسمان و افتادن آن بر قربانی، که در آب خیس شده بود، به عنوان پیش نمادی از دعای طلب نزول روح در آئین نیایش دیده می شود. ما تقاضا می کنیم که آتش روح القدس بر همگی ما در تعمید فرو افتد تا این که زندگی ما قربانی زنده گردد.

سه دعایی که بدنبال یکدیگر خوانده می شوند هر کدام دربرگیرنده نشان صلیب هستند که برآبها ترسیم می شود. این هم شبیه راز قربانی است که در آنجا نان و شراب را در دعای نزول روح القدس با صلیب علامتگذاری می نمایند. نیایشها نشان می دهند که تقدیس آب هدف نهائی نیست بلکه هدف از این اقدام طهارت، بخشودگی، رهایی، منور شدن، تولد دوباره و فرزندخواندگی ماست.

آنگاه کشیش میرون مقدس را در آب می ریزد و سه بار علامت صلیب را بر آن رسم می کند (در فصل مربوط به تدهین با روغن تعمق عمیق تری بر میرون خواهیم داشت). مار دیونیسیوس آریوپاگی درباره آب می گوید «با سه بار ریزش صلیب گونه پاک ترین روغن، آب کامل شده است». مار موسی بارکیفا اظهار می دارد:

«میرون» که در این جا درون آب ریخته می شود نمونه و مصداق روح القدس است... در این جا روح القدس برآب ها قرار می گیرد... زیرا مار سوروس در یکی از نوشته هایش می گوید که «میرون» نمونه روح القدس را تداعی می کند.

بنابراین مخلوط کردن میرون درون آب همان معنی را دارد که دعای طلب نزول روح القدس دارد. از رازهای مقدس این اعمال مختلف آشکار می شوند و واقعیتی که آنها تداعی می کنند همه یکسانند، راز مسیح.

بعضی ها در غرب تلاش کرده اند که نشانه ها را در آئین نماز تقسیم کنند و آنچه را در هر اقدام جداگانه تداعی می شود بطلبند. این نوع تقرب

فصل هشتم: تعمید

اینک به عمل اصلی در آئین نماز می‌رسیم، یعنی تعمید. می‌دانیم که خداوند ما عیسی مسیح تعمید یافت و در اناجیل به شاگردانش دستور داد که تعمید بدهند. پطرس رسول در روز نزول روح القدس گفت: «هر یک از شما توبه کرده و در نام عیسی مسیح تعمید یابید گناهان شما آمرزیده شود. و شما عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا این وعده است برای شما و فرزندان شما و هم آنانی که دورانند یعنی هر که خداوند خدای ما را بخواند (اع ۲: ۳۸-۳۹). بنابراین تومای رسول به هندوستان آمده و «به آنهایی که دور هستند» موعظه کرد و کسانی را که خدا دعوت کرده بود تعمید داد.

در سنت شرقی کشیش می‌گوید: «(نام شخص) تعمید می‌یابد... در نام پدر و پسر و روح القدس زنده و مقدس». کاتولیک‌های لاتین، و سایر کلیساهای غربی می‌گویند: «(نام شخص) من تو را تعمید می‌دهم...» کلماتی که در کلیساهای شرق به کار می‌رود به صورت مجهول و در کلیساهای غرب به صورت معلوم است. در واقع فرمول دقیق برای تعمید دستخوش تغییر شده است. این امکان وجود دارد که در زمان رسولان، داوطلبین را «در نام عیسی» تعمید می‌دادند چنان که به دفعات در کتاب اعمال رسولان تداعی می‌شود (مثلاً اع ۱۰: ۴۸). اما جمله بندی در انجیل متی (۱۹: ۲۸) «آنها را در نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید» می‌تواند دلالت کند که فرمول تثلیث اقدس در کلیسای رسولی به کار برده می‌شد. مار باسیلیوس تکذیب می‌کند که کتب مقدسه، تعمیدی را مطرح سازند که فقط «در نام عیسی» باشد. «گمراه نشوید زیرا که رسول اغلب از ذکر نام‌های پدر و روح القدس هنگامی که درباره تعمید صحبت می‌کند خودداری می‌نماید. تصور نکنید که به این دلیل از استغاثه از نام آنها

می‌خواند. مزمور ۷۷: ۱۶ «آبها تو را دید ای خدا، آبها تو را دیده متزلزل شد». این مزمور، انسان را به یاد طریق نجات می‌اندازد. «طریق تو در دریاست و... قوم خود را مثل گوسفند هدایت نمودی، به دست موسی و هارون» مزمور ۷۷: ۱۹-۲۰ بازهم ما به عهد عتیق و عبور از دریای سرخ رجوع داده می‌شویم. مزمور ۲۹: ۳ «آواز خداوند فوق آبهاست» صحبت از قدرت خدا در آفرینش می‌کند و این که خدا فیض صلح و آرامش را خواهد آورد. این پیامی است که ما را به قلمرو آرامش و صلح که مسیح به ارمغان می‌آورد و برای اولین بار در تعمید تجربه می‌شود مرتبط می‌سازد. بنابراین «این آب تقدیس و تبرک می‌شود تا باشد برای شستشوی آسمانی تولد نوین مورد استفاده قرار گیرد».

* * *

تعمید داده می شود» در تعالیم خود تأکید کرده اند. مار یوحنا کریزوستوم درباره عادت شرقیها می گوید:

او (اسقف) فقط خادم فیض است و فقط دست خود را به عاریت می دهد زیرا که او را برای این کار با روح القدس دستگذاری نموده اند. این پدر و پسر و روح القدس است، یعنی تثلیث غیرقابل رؤیت که تمام مراسم را به کمال می رساند. این ایمان به تثلیث است که فیض آموزش گناه را ارزانی می دارد.

برخی از مسیحیان غرب شروع به بررسی حکمت این نگرش نموده اند، که اظهار نظر مهمی درباره نقش کهنانت در اعمال مربوط به رازهای مقدس است. از پدران کلیسا آموخته ایم که تعمید زمانی با سه بار فرو رفتن در آب صورت می گرفت. لازمه این کار داشتن تعمیدگاه است، و نشانه های باستانشناسی (و آن کلیساهای قدیمی که هنوز باقی مانده اند) نشان می دهند که بعضی وقتها اطاق هایی در این کلیساهای قدیمی می شوند که در هر یک از آنها یک حوض قرار داشته که در آن تعمید صورت می گرفته است. مار سیریل اهل اورشلیم، غوطه ور شدن در آب را سمبلی از تدفین مسیح و سه روز باقی ماندن او در قبر می بیند. در واقع مار سیریل معمایی را در تعمید می بیند:

تنها با یک عمل تو مردی و دوباره متولد شدی، آب نجات برای تو هم مقبره شد و هم مادر... لقاح تو با مرگ تو همزمان صورت گرفت. بنابراین در تعمید هم مرگ و هم زندگی نوین هر دو وجود دارند.

با برپا شدن تعمید نوزادان، مراسم قرار دادن نوزاد در حوضچه تعمید و ریختن آب بر روی طفل توسعه یافت. بدین صورت طفل در آب فرو برده می شود. این عمل جنبه نمادین فرو رفتن در آب را تضعیف می کند، اما راز مقدس را باطل نمی سازد. پولس در رومیان از تشبیه فرو رفتن در زیر آب استفاده می کند، اما سایر قسمتهای کتاب مقدس به پاک کنندگی و

خودداری و پرهیز شده است». این اظهار نظر نشان می دهد که حتی در زمان مار باسیلیوس گروه های مسیحی بوده اند که «در نام عیسی» تعمید می دادند، اما قاعده کلیسا این بوده که در نام پدر و پسر و روح القدس تعمید صورت گیرد.

به نظر می رسد مار سیریل اهل اورشلیم این تصور را ایجاد می کند که از داوطلبین سؤال می شد که آیا به نام پدر و پسر و روح القدس ایمان دارند، و سپس آنها را سه بار به زیر آب فرو می بردند. در روم سه سؤال پرسیده می شد: آیا به پدر ایمان داری... آیا به عیسی مسیح ایمان داری... آیا به روح القدس ایمان داری؟ بعد از هر سؤال یک بار به زیر آب فرو برده می شدند. عادت فعلی غربی ها در مورد یک فرمول فعال به جای پرسیدن سؤالات، شیوه ای است که بعدها تکامل یافته است. مار تئودور آشکار می سازد که سه بار فرو بردن پس از نامیدن هر کدام از اقانیم تثلیث اقدس وجود داشته اما هیچ اشاره ای به اینکه از فرد داوطلب درباره ایمان او سؤال شود وجود ندارد. بنابراین به نظر می رسد روش دقیق کلیسای اولیه هم در زمان و هم در مکان متغیر بوده است.

جمله بندی عمل تعمید مهم است. چنین مطرح شده است که فرمول معلوم «من تو را تعمید می دهم» در سوریه نشأت گرفته است. دیداکه در فصل هفتم می گوید:

در آب جاری فرو برو «در نام پدر و پسر و روح القدس».

کتاب اعمال زیپانتوس (Zippanthus) درباره افسانه پولس در هنگام تعمید می گوید که «ما تو را در نام... تعمید می دهیم». این مطلب روشن می سازد که در مراسم اولیه، سریانیها از فرم معلوم استفاده می کردند. برطبق این تئوری، بعدها بر اثر تعمق کلیسای سریانی این دعا به روش مجهول بیان شد. این مطلب ممکن است توضیحی باشد که چرا تمام علمای کلیسا درباره اهمیت استفاده از فرمول مجهول «(نام مشخص)

تازه فقط یک بار رخ می‌دهد. شاید لازم باشد که دوباره به سوی خدا برای توبه و تازگی بیائیم، ولی احتیاجی نداریم که دوباره تعمید یابیم. مار باسیلیوس در اولین رساله قانون کلیسای خود درباره آنهایی که بیرون از کلیسا تعمید یافته‌اند نوشته: بدعت‌گذاران را باید تعمید داد زیرا آنها از ایمان حقیقی بیگانه شده‌اند و بنابراین تعمید آنها رد شده است. انشعابیون (آنهایی که به دلیل مسائل کلیسایی جدا شده‌اند) را به عنوان نشانه‌ای از الحاق دوباره به کلیسا تدهین می‌نمایند. اجتماعاتی که توسط اسقفان بی‌انضباط به وجود آمده‌اند را باید پذیرفت. آشکار است که شرایط امروز حتی پیچیده‌تر است، اما مار باسیلیوس با روحیه‌ای سخاوتمندانه در تقرب به گروه‌های مختلف، نمونه‌ای برجا گذارد که ترجیح می‌داد تدهین نماید اما موجب بدنامی با تعمید مجدد نشود. امروزه از کسانی که عضو کلیسای ارتدکس هستند و ایمان رسولان و پدران را به جا می‌آورند، استقبال می‌شود. اگر از کلیسایی بیایند که دیدگاههای ناقص دارد، احتمالاً پس از یک دوره تعلیم، آنها را تدهین می‌کنند. اگر در مورد تعمید آنها شکی وجود داشته باشد آنها را به طور مشروط تعمید می‌دهند.

مار موسی بارکیفا به جنبه دیگری از تعمق سربانی درباره تعمید اشاره می‌کند، یعنی به نامزدی. ۵۳ او انواع تعمید در عهد عتیق را در شماری از نامزدی‌ها که در کنار آب انجام شد می‌بیند: ربکا (پید ۲۴). راحیل (پید ۲۹) و صفورا (خروج ۲: ۱۶-۲۲). اینها به مسیح اشاره دارند که هنگام تعمید یافتن توسط دوست داماد با کلیسا نامزد گردید. همینطور هم ما در تعمیدمان با مسیح نامزد شده‌ایم. نامزدی موضوعی رایج در اشعار اولیه سربانی است و طبیعتاً قسمتی از مراسم ازدواج را تشکیل می‌دهد. مار اپرم درباره تعمید عیسی این گونه صحبت می‌کند:

عروس به همسری درآمد ولی نمی‌دانست

طهارت اشاره می‌کند (حزق ۳۶: ۲۵-۲۷)، و به شستشوی تولد نوین و تازگی حیات (تیط ۳: ۵-۷). بنابراین رسم کلیسای سربانی همسو و همگام با کتاب مقدس و پدران کلیساست. آنهایی که اصرار می‌ورزند که فقط یک روش تعمید معتبر است بر کتب مقدسه جفا می‌رسانند. آنها یک قسمت از کتاب مقدس را بر علیه قسمت‌های دیگر به کار می‌برند. آنها بر دستور فرو رفتن در آب اصرار می‌ورزند در حالی که چنین چیزی وجود ندارد، حتی در زمان پدران نیز روشهای متفاوتی مرسوم بود. حتی امروزه هم یک روش کتاب مقدسی برای تعمید وجود ندارد.

گفتاری درباره تعمید مجدد در این مقطع ارزشمند است. گروهی از اصلاح‌طلبان متعصب در قرن شانزدهم، به نام آناباپتیستها (Anabaptists) تعمید اطفال را رد کرده و می‌گفتند فقط تعمید آنهایی که پس از اعتراف به ایمان در بزرگسالی تعمید می‌یابند معتبر است. بنابراین آنها خود دوباره تعمید می‌گرفتند و دیگران را نیز دوباره تعمید می‌دادند. چنین تعلیماتی توسط باپتیست‌ها و پنطیکاستی‌ها رواج یافت و بدین گونه به کراالا رسید. باید به خاطر داشت که رهبران اصلاحات پروتستانی با این تعلیم مخالفت می‌کردند چرا که به ماهیت تعمید نوزادان مطابق کتاب مقدس اعتقاد داشتند. از نقطه نظر آناباپتیستها آنها دوباره تعمید نمی‌دهند، زیرا آنها منکر اعتبار تعمید اطفال هستند. از نقطه نظر کلیساهای عمده که شامل ارتدوکس‌ها نیز می‌شود آنها (آناباپتیستها) تعمید دوباره می‌دهند و این موضوع بسیار جدی است. این اشتباه است زیرا که فقط یک تعمید و یک بدن وجود دارد (افسیسیان ۳: ۴-۶). تعمید مجدد یعنی رد کردن تعمید دوستان مسیحی و بنابراین شریک و سهیم بودن آنها در تن مسیح.

این برخلاف تعلیمات کتب مقدسه و پدران کلیسا در مورد تعمید است، شخص نمی‌تواند دوباره و دوباره متولد شود و یا دوباره احیا شود. تولد

بنابراین در تعمید ما وارد حیات تثلیث اقدس می شویم، از گناهان پاک شده و در روح القدس تازه می گردیم. در تعمید ما با مسیح نامزد شده و در انتظار تحقق این (ازدواج) در روز آخر هستیم. بنابراین کشیش چنین می سراید:

ای بره نوین، در صلح بیا
ای پسر تعمید،
تو که از آب متولد می شوی
در نام تثلیث اقدس.

* * *

که داماد کیست که خیره براو می نگرد:
مدعوین اجتماع کرده بودند، صحرا پر بود،
و خداوند ما در میان آنها پنهان.
داماد خود را آشکار ساخت؛
و به یحیی در آن ندا (در بیابان) نزدیک شد
و منادی متأثر شده درباره او گفت
«این همان دامادی است که من اعلام کردم». (سرود تجلی ۱۴:۴-۵)
پس از آن که یحیی عباراتی را بیان کرده بود عیسی پاسخ می دهد:
حجله عروسی آماده است؛ مرا از جشن عروسی
که فراهم شده است دور نسازید. (سرود عید تجلی ۱۴:۱۲)
باز هم در «سرود تعمید یافتگان» مارا پریم به صورت تشبیهی صحبت
می کند:

شما برادران من حجله عروسی را دریافت کرده اید
که شکست نمی خورد
امروز جلال خانه آدم را در بر کرده اید.
چه کسی در حجله عروسی شما، برادران من، شادی نمی کند؟
زیرا که پدر، با پسر خود، و روح القدس در شما شادی می کنند.
(سرود عید تجلی ۱۳:۱۳ و ۱۳)
مارا یعقوب سروق نیز از چنین تشبیهی استفاده می کند.
یحیی آمد تا عروس را به پسر خدا نامزد کند؛
او آماده شد تا چرک او را بشوید تا این که او بتواند نامزد شود؛
(موعظه منظوم ۷:۲۵ و ۳۰)
در تعمید ما با مسیح متحد شده و نامزد می شویم. در حجله عروسی قلب به
عنوان عروس او شادی می کنیم و در انتظار ازدواج در ملکوت آسمانی
هستیم.

بعضی سردرگمی‌ها درباره کهنانت افراد تعمید یافته وجود داشته است. بخشی از آن به دلیل اختلافات در اصلاحات پروتستانها در اروپا بوده است. نقل قول از رساله پطرس برعهدعتیق استوار است. خروج ۶:۱۹ درباره قوم خدا می‌گوید «شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود». با وجود این در عهدعتیق فقط کاهنان اعظم، کاهنان، و لایوان در این پادشاهی کهنه قرار داشتند. برای مملکت کهنه بودن، کاهن لایوانی بودن نفی نمی‌شود. عهدجدید نیز همچون عهدعتیق، قوم خدا را که تعمید یافته‌اند، به عنوان کهنانت ملوکانه می‌نگرد. اما این به معنی نبود اسقف‌ها، کشیش‌ها و شماسان نمی‌باشد. مارایگناتیوس اهل انطاکیه تعلیم داد که «بدون این سه مرتبت روحانی هیچ کلیسایی بر نام خود حقی ندارد». خدمت روحانی که بر اسقف تمرکز یافته به این دلیل که تعمید یافتگان کهنانتی پادشاهی دارند از میان برداشته نمی‌شود.

پس نقش کهنانتی کلیسا چیست؟ اولاً «اعلام ستایش‌های کسی که تو را برگزیده است» (۱- پطرس ۲:۹). مسیحیان باید پرستش کنند هر کدام نقش خود را دارند: اسقفان، کشیشان و شماسان، همراه با تمام تعمید یافتگان، کهنانت ملوکانه را تشکیل می‌دهند. اما هر کدام نقشی متفاوت دارند و در قوم مقدس بعضی‌ها برای اهداف خاصی دست‌گذاری می‌شوند. اگر پرستش اولین نقش کهنانتی باشد، رسالت و وظیفه دوم است، پولس از «وظیفه کهنانتی اعلام انجیل صحبت می‌کند» (روم ۱۵:۱۶). این تمام کلیساست که در این رسالت سهیم است، باز هم هرکس با نقشی جداگانه. پس این کهنانت تعمید یافتگان است. سرود در تدهین، یک موضوع قوی کهنانتی دارد.

خدا به هارون گفت که باید با روغن مقدس تدهین یابد

و بدین سبب تقدیس شود.

اینک بره پاک که برای تعمید آمد

با روغن مقدس تدهین می‌یابد.

فصل نهم: تدهین

از همان دوره اولیه در تعمید سریانی، روغن برای تدهین به کار گرفته شده است. تغییراتی در موقعیت این راز در آئین نماز وجود داشته است، اما روغن همیشه از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. حتی در فرم کوتاه مراسم، در مورد بیماری، که به مارسیوروس نسبت داده می‌شود، تدهین گنجانیده شده است. آنهایی که تعمید یافته‌اند و از سایر کلیساها به کلیسای سریانی ملحق می‌شوند تدهین می‌یابند، چنانچه این عمل قبلاً صورت نگرفته باشد. تدهین در کلیسای سریانی بسیار مهم است.

در عهدعتیق سه گروه از افراد تدهین می‌یافتند: انبیاء (۱- پاد ۱۶:۱۹)، کاهنان (خروج ۷:۲۹)، و پادشاهان (۱- سمو ۱۶:۱۳). در هر کدام از این موارد تدهین با عطیه روح القدس همراه بود. عیسی یکتا مسح شده خداست. کلمه یونانی «مسیح» (Christ)، و عبری ماشیاح (Messiah) هر دو به معنی مسح شده هستند. شخصی که با مسح شدن متمایز گردیده نماینده خداست. تدهین، عطیه روح القدس را بر آن شخص مهر می‌زند. عیسی اعلام نمود «روح خدا بر من است، زیرا که او مرا مسح کرده است» (لوقا ۴:۱۸). ما به این تعمید به عنوان آشکار شدن موقعیت و مقام او به عنوان مسیح و اعلام فرزند الهی وی نگاه می‌کنیم. تدهین ما را به عنوان عضوی از گله مسیح علامت گذاری می‌کند، که توسط روح القدس مهر زده شده ایم. «شما قوم برگزیده هستید، کهنانتی ملوکانه، امتی مقدس، قومی که متعلق به خداست» (۱- پطرس ۲:۹). ما خانواده سلطنتی هستیم زیرا که فرزندان پادشاه می‌باشیم؛ ما کهنانتی هستیم زیرا باید ستایش و حمد خدا را اعلام کنیم؛ ما انبیاء هستیم که تعلیم کلام خدا و اعلام انجیل به ما واگذار شده است.

روح القدس متحد می سازد. در کتاب «تاریخ یوحنا پسر زبدي» شرح این داستان تقدیس با روغن در تعمید داده شده است.

«قدوس است پدر و پسر و روح القدس تا ابدالآباد. آمین» ... سپس یوحنا علامت صلیب را بر روغن کشیده و گفت: «جلال بر پدر و پسر و روح قدوس باد. آمین». و بلافاصله آتش بر فراز روغن شعله ور شد و روغن آتش نگرفت زیرا دو فرشته بالهای خود را برفراز روغن گشوده و چنین می سرودند «قدوس، قدوس، قدوس خداوند قادر مطلق».

کتاب اعمال توما نیز نمونه هایی از نیایشهای تقدیس روغن را ارائه می دهد. در یک تعمید رسول بر روغن دعا کرده می گوید:

ای خداوند ما عیسی مسیح، سلامت زندگی و آمرزش گناهان، ای شفادهنده اعضای معیوب و فلج بدن، بگذار قدرت تو بیاید و در این روغن ساکن شود، و بگذار قدوسیت تو در آن مسکن گزیند.

اینها برخی از قدیمی ترین توصیف ها از تقدیس روغن هستند. به نظر می رسد که حتی یک دعا برای تقدیس میرون در سنت اولیه وجود نداشته باشد، در واقع به نظر می رسد که دعا همزمان در موقع استفاده صورت می گرفت. اما آنچه این داستانها نشان می دهند اهمیتی است که به روغن داده می شود، حتی در توصیف های قدیمی.

مار گیورگیس اسقف اعراب می گوید:

روغن تدهین ... سالی یک بار تقدیس می شود، در روز پنجشنبه رازها، بلافاصله پس از نماز صبح یا در ساعت سوم همین روز. اسقف آن را تقدیس می کند، زیرا کشیش اجازه تقدیس کردن ندارد.

مار یعقوب اهل ادسا می گوید: که روغن در روز پنجشنبه تقدیس می شود زیرا که در این روز:

مسیح این تقدیس و نیز سایر رازها را به آنها (رسولان) محول کرد.

معلمین کلیسا احترام زیادی برای تدهین قائل بودند. مار سیریل اهل اورشلیم می گوید:

مواظب باش که تدهین را فقط به عنوان مالش روغن در نظر نگیری. همان طوری که نان در شام خداوند پس از استغاثه از روح القدس دیگر نان نیست، بلکه بدن مسیح، بدین صورت نیز تدهین مقدس پس از استغاثه دیگر مالش روغن عادی نیست بلکه فیض مسیح، که با حضور روح القدس، الوهیت او را در ما قرار می دهد. این (روغن) بر پیشانی و اعضای بدن تو مالیده می شود... و جان توسط روح قدوس و مخفی تقدیس می گردد... این تدهین را پاک نگهدار.

این الهیات اورشلیم است که از سوی تمام کلیسای سربانی پذیرفته شد. مار اپرم در سرود خود این گرایش را پیش بینی می کند.

روغن دوست عزیز روح القدس است، به او خدمت می کند و همانند شاگردی به دنبال او می رود. روح با آن کاهنان را مهر گذارده و پادشاهان را مسح می کند.

زیرا که روح القدس با روغن نشان خود را بر گوسفند می نهد. همانند نگین انگشتر که اثر آن بر موم حک می شود،

مهر پنهان روح القدس به واسطه روغن بر بدن ها نهاده می شود. آنهایی که در تعمید تدهین می یابند،

در راز تعمید نشانه گذاری می شوند. (سرود بکارت ۶:۷)

بنابراین تدهین، مهر روح القدس است، اما به مسیح نیز مربوط است.

مسیح و تدهین به هم ملحق شده اند:

پنهان با آشکار ادغام گردیده؛

تدهین آشکارا مسح می کند

مسیح به طور پنهان مهر می زند. (سرود عید تجلی ۱:۳)

بنابراین مار اپرم درباره روغن مقدسی سرود که ما را با مسیح از طریق

روغن پر است از چیزهای بزرگ که به امانت داده شده، و پر است از رازهای اعجاب انگیز.

میرون بوی خوش مسیح را اعلام می کند. ما را مهر می زند، تا زندگی ما یک تقدیمی معطر باشد. آن کمال عطیه روح القدس است.

مار گیورگیس اعراب استفاده از میرون را توضیح می دهد:

در تقدیس صحن کلیسا، و در تقدیس مذبح، و آنهایی که تعمید می یابند با آن نشانه گذاری می شوند، و کشیش مقداری از آن را سه بار و به شکل صلیب در آبهای حوضچه تعمید می ریزد، هنگامی که آن را تقدیس می کند، و حمد و سپاس می گوید. و با آن هم چنین بر تعمید یافتگان بعد از این که تعمید یافته اند مهر زده می شود. و بدون آن حتی یکی از خدمات روحانی کلیسا کامل نیست.

در میان سایر کاربردها به نظر می رسد که این مطلب تداعی کننده استفاده از میرون در تدهین قبل از تعمید باشد، عملی که امروزه انجام نمی شود. همین طور می توان به این لیست اضافه کرد که اسقف، در هنگام تقدیس کلیسا *tablitha* (سنگی است چهار گوشه که هر چهار گوشه آن مهر زده شده، بر روی قربانگاه قرار دارد و ظروف حاوی نان و شراب مراسم راز سپاسگزاری بر روی آن گذاشته می شود) را با میرون تقدیس می کند. از تمام اینها می توانیم خاصیت محور بودن میرون در حیات کلیسا را استنباط نماییم. نقش آن در تدهین تعمید یافتگان این است که نشانه ای باشد از کهنانت سلطنتی آنها، که دعوت شده اند تا قربانی حمد و ستایش و شکرگزاری را بجا آورند.

* * *

او این دلایل را مطرح می کند:

تا این که به روزهای درد و رنج و مرگ ناجی ما نزدیک باشد، و... چون، مردم در روز عید قیام تعمید می یافتند، می بایستی تقدیس می شد تا این که در زمان تعمید آماده باشد.

تا قرن سیزدهم روغن مقدس توسط اسقفان تقدیس می شد. امروزه توسط پاتریارک برای یعقوبیون و توسط کاتولیکوس برای ارتدوکس های هند و توسط متروبولیتن و اسقفان در کلیسای مار توما تقدیس می شود. اصل میرون مورد استفاده در یک حوزه اسقفی، نشانه اتحاد کلیسایی است. روغن مقدس مورد استفاده در کلیسای سریانی مستقل مالا بار از مار گریگوری اهل اورشلیم است که آن را به اولین اسقف یعنی ابراهیم مار کوریلوس اول داد.

میرون روغن معطر و مخلوطی است از روغن زیتون و روغن درخت حنا مخلوط کردن با ادویه جات نسبتاً براساس نوشته های کتب عهد عتیق است. به موسی گفته شد که روغن را با مرّ، دارچین، زیره و سلیخه مخلوط کند (خروج ۳۰:۲۲-۲۵). عالمین کلیسا در اختلاط روغن و بلسان نشانه ای از تن گیری مسیح را می دیدند. مار گیورگیس اعراب می گوید:

عمانوئیل هم چنین از عناصر متفاوت تشکیل شده، همان گونه که روغن ترکیب شده و با مواد مختلف معطر گشته.

مار یعقوب اهل ادسا می گوید:

در این جا... کلیسا به وضوح و آشکارا، با چهره ای پاک، خدای کلمه را می بیند که انسان گردید و او را با خود نامزد کرد... او انسانیت موقت و زودگذر ما را با الوهیت ابدی خود مسح کرده و متحد ساخت.

بنابراین مار یعقوب اهل ادسا درباره روغن می گوید:

این روغن... سرآغاز راه آسمانی است... ننگهبان ایمانداران...

داده می شود. بنابراین لازم است نوعی زندگی کنیم که شایسته پسران و دختران پادشاه باشد.

به تاجگذاری در غزلهای سلیمان هم اشاره شده:

سپس من از سوی خدای خود تاجگذاری شدم
و تاج من حیات است.

و من از سوی خداوند عادل شمرده شدم
زیرا نجات من فناپذیر است.

مارا پریم تعلیم داد که این تاج در هنگام سقوط (آدم) مفقود شد.
آدم در میان بهشت سقوط کرد

و در تعمیر، شفقت او را دوباره برپا داشت

او خوبرویی خود را به دلیل حسادت شیطان از دست داد
و به واسطه فیض خدا آن را بازیافت.

آن زوج متأهل در عدن مزین گشتند؛

اما مار تاج های آنان را ربود:

و رحمت آن لعنت شده را خرد کرد

و آن زوج را در لباس خود نیکو ساخت. (سرود عید تجلی ۱۲: ۲-۳)

سرودهای مارا پریم، تاجگذاری و تعمیر را به هم ارتباط می دهند.

بگذار بدنهایی که آن شریر عریان ساخته بود شادی کنند،

زیرا که در آب، جلال خود را دربر کرده اند!

شکرگزاری کن، ای دختر، که تاجگذاری بهت مضاعف شده است.

(سرود عید تجلی ۱۱: ۱)

بنابراین در سرود تعمیر خود پریم می گوید:

البسه تو می درخشد، و تاجهای تو

که آن نخست زاده برای تو به دستهای کشیش

در این روز تدارک دیده، زیباست.

فصل دهم: ضیافت آسمانی

در همان حال که نماز به پایان خود نزدیک می شود، سه نوع مراسم اتفاق می افتد که به یاد ما می آورد که در تعمیر بهشت را دوباره به دست می آوریم. زیرا در این حیات پیش مزه ای از آنچه که در آینده خواهد بود در تعمیر به ما داده می شود. این مراسم عبارتند از: تاجگذاری، برده شدن تا پله مذبح و شراکت در نان و جام مقدس.

مار گیورگیس اعراب درباره تاجگذاری چنین نوشته است:

stoles (orarium) که می باید تاج ها گفته شود و برسر تعمیریافتگان

قرار دارند، اعلام کننده آن آزادی هستند که آنها از سوی مسیح به

دست آورده اند.

تاجگذاری هم مراسمی کتاب مقدسی است و هم قسمتی از تعلیم معلمین سنت سریانی. این یکی از سازنده ترین مراسم و آموزنده ترین آنهاست.

کشیش ساعد بند (kyora-Zende) خود را باز می کند و آن را برسر طفل می نهد. در بعضی جاها از تاج های ساخته شده از مواد مصنوعی استفاده

می شود. کشیش می گوید: «ای خداوند، این خادم خود را با شکوه و جلالت تاجگذاری کن...».

در عهد عتیق تاج ها را بر سر کاهنان می نهادند (خروج ۲۹: ۶، ۳۹: ۳۰-۳۱). بعدها پادشاهان را مسح کرده و در هنگام جلوس بر تخت سلطنت تاج می نهادند (۲-پاد ۱۱: ۱۲).

تاج علامت پادشاهی است و بنابراین علامت جلال (مز ۲۱: ۳، امث ۴: ۹).

عهد جدید از تاج راستی و عدالت صحبت می کند که در روز آخر به ما پاداش داده خواهد شد (۲-تیمو ۴: ۸)، و تاج حیات (یع ۱: ۲)، و تاج بی زوال جلال (۱-پطرس ۵: ۴)، و مسیحیان را ترغیب می کند که آن را

محکم نگاه دارند مبدا از دست بدهند (مکا ۳: ۱۱). در تعمیر به ما تاجی

دریافت این رازهای مقدس نشان می‌دهد که... او کاملاً در عطایا وارد شده به کمال می‌رسد... و نشان می‌دهد که ضیافتی برای مقدسین در ملکوت خدا آماده شده است.

کلیساهای غرب بودند که از پیروی سنت پدران کلیسا خودداری کردند. اینک آنها چیز دیگری را بجز تعمید لازم می‌دانند که قبل از این که دریافت قربانی مقدس انجام گیرد، از جمله مراسم تأیید یا اولین اعتراف همانند آنچه که کاتولیکهای لاتین می‌کنند. آنچه تداعی می‌شود این است که در تعمید فرد داوطلب کاملاً بنا نهاده نمی‌شود و چیز دیگری لازم است تا تعمید را تکمیل کند. اما برخی بحث‌ها در کلیساهای غرب درباره سیاست فعلی در جریان است. بعضی از کلیساها دوباره سنت پدران را احیا می‌کنند و عشاء مقدس را به تمام آنهایی که تازه تعمید یافته‌اند می‌دهند. این امتیاز شخص تعمید یافته است که در رازهای مقدس سهیم شود. این چیزی است که ما نباید از آن غافل بمانیم. قوانین کلیسا درباره تعداد دفعاتی که ما باید عشاء را دریافت کنیم محدود هستند. در تمام کلیساها مسیحیان اغلب این محدودیت را حفظ کرده‌اند به جای آن که آن پری را که خداوندمان عرضه می‌کند بردارند. خداوند ما از ما دعوت می‌کند تا هر یکشنبه به ضیافت عروسی او برویم و شام بخوریم. «ای همه شما که نقره ندارید، بیائید بخرید و بخورید» (اش ۵۵: ۱). این امیدواری وجود دارد که مسیحیان رازهای مقدس را بیشتر دریافت دارند.

مار تئودور ارتباط مابین تعمید و عشاء را به این شکل می‌بیند:

چون ما اینک در تعمید به طور سمبولیک و به وسیله نشانه‌ها متولد می‌شویم، نیازمند آن هستیم که تحت همان سمبول‌ها قوت را دریافت کنیم که مطابق آن حیات نوین است که در تعمید دریافت می‌کنیم و ما را قادر می‌سازد تا در این حیات باقی بمانیم.

ما در تعمید به فرزندان خدا تبدیل می‌شویم. همانند کودکان، نیازمند

آدم لعنت را در بهشت دریافت کرد؛

اما تو جلال را در این روز دریافت کرده‌ای.

تاج‌هایی زوال‌ناپذیر بر سرهای شما قرار می‌گیرند:

بگذار که دهان تو سرودهای پرستشی را هرساعت، بسراید.

شهیدان با خون خود، تاج‌های خود را جلال می‌دهند:

اما تو ای نجات‌دهنده ما، با خون پنهان جلال می‌دهی.

میوه‌ای که آدم در بهشت نچشید

در این روز در دهان تو، با شادی نهاده شده است.

(سرود تجلی ۱۳: ۵، ۶، ۱۱، ۱۵، ۱۷)

سرود کشیش در مراسم نیایشی تعمید، برپایه این سرود استوار است. آوردن شخص تعمید یافته به پای مذبح نیز از سوی مار موسی بارکیفا عنوان شده است. «مدخل قدس الاقداس نشانگر ورود به درون درخت حیات است که آدم از آن منع شده بود». بنابراین مذبح نشانگر بهشت است و ما از این عمل درمی‌یابیم که در تعمید عمل آن شریر برعکس می‌شود. ما در تعمید تاج بر سر می‌نهم. این (تاج) که توسط شیطان از آدم دزدیده شده بود توسط مسیح دوباره به دست آمد. لازم است به یاد داشته باشیم که مسیح برای انجام چنین کاری می‌بایست تاج خار را بر سر می‌نهاد. این تاج شرم‌آور و مرگ‌او بر روی صلیب مقدس جریانی از حیات را به وجود آورد که از پهلوی او جاری گشت و ما در آن تعمید می‌یابیم.

تمام معلمین و پدران کلیسا به این مطلب اشاره می‌کنند که آنهایی که تعمید یافته‌اند بلافاصله پس از تعمید قربانی مقدس را دریافت می‌کنند. ما می‌توانیم از سرود مار اپریم که در بالا نقل شده دریا بیم که این دریافت در چنین روزی اتفاق می‌افتد. تعمید دوباره ما را به بهشت بازگردانده، ما اینک طعم درخت حیات را می‌چشیم که جسم و خون مسیح است. مار موسی بارکیفا می‌گوید:

غذا برای رشد هستیم. قربانی (عشای) مقدس غذای ماست. این غذا از ضیافت آسمانی است. عیسی درباره ضیافت در ملکوت آسمان تفکر می کرد (لو ۲۲: ۳۰). در تعمید ما در جلال تاجگذاری می شویم. در راز قربانی مقدس ما بر سر میز پادشاهی شام می خوریم. این رازهای مقدس تنها پیش طعمی هستند از جلالی که باید بیابد.

* * *

فصل یازدهم: رازهای روحانی

این کتاب نظری به راز تعمید انداخته است. آئین نماز در نور کتاب مقدس و تعالیم کلیسا بررسی و مطالعه شده است. در این فصل آخر به برخی از تعالیم پدران کلیسا درباره موضوعاتی چون راز، سنت، درک و ایمان نگاهی خواهیم انداخت.

کلمه راز در زبان انگلیسی واژه ای مبهم است. به معنی چیزی است که شما نمی توانید درک کنید، چیزی که پنهان شده و ما نمی توانیم آن را به وضوح ببینیم، چیزی که مخفی شده یا جزو اسرار است. معنی راز برای رسولان متفاوت بود. در واقع آن چیزی بود که آشکار شده بود. آن سری بود که آشکار گشته و یا آشکار می گشت. در این مورد راز درباره نقشه نجات در عیسی مسیح است که توسط روح القدس بر ما آشکار گشته ولی با وجود این نه کاملاً؛ چیزهای بیشتری درباره آن باید آموخت و بیشتر باید افشا شود. راز را نمی توان هرگز کاملاً دریافت و یا به طور جامع بیان کرد. رازها آن اعمالی هستند که مسیح به کلیسا داده است که آشکار کننده راز اصلی، یعنی راز مسیح، می باشند. بنابراین تعمید یک راز روحانی است زیرا که درباره نجات سخن می گوید، در واقع جزئی از نقشه عیسی برای نجات ما ست و حقایق بسیاری را درباره آن نقشه فاش می کند.

این کتاب بر ریشه های کتاب مقدس و تعالیم پدران کلیسا درباره مراسم و آئین نماز تعمید نظری افکنده است. کاملاً روشن است که کتب مقدسه هیچ دستورالعمل مشخصی برای مراسم تعمید نمی دهند و شکل آئین نماز به وسیله سنت تعیین می شود. مار باسیلیوس سخنان مهمی درباره موقعیت و مکان سنت در کلیسا عرضه می دارد:

ما درحینى که فرد داوطلب به حوضچه تعمید نزدیک می شود آب تعمید

شده است. امروزه با تعمید نوزادان که مرسوم است، لازم است اطمینان یابیم که همگی ما در درک تعمید رشد می‌کنیم. این رشد از طریق تعلیم روز یکشنبه در منزل و مدارس حاصل می‌شود. امروزه مجبوریم به مسائلی که پدران به آنها اشاره‌ای نکرده‌اند نظر بیفکنیم. قسمتی از اینها در نتیجه تأثیر اصلاحات پروتستانی هستند و در این کتاب فقط به شکل گذرا به آنها اشاره شده است. مسیحیان سریانی نیز به درک بهتر درباره سنت خودشان نیاز دارند و مخصوصاً درباره استفاده از کتب مقدسه توسط پدران سریانی، اگر بخواهند که به کلیساهای پروتستان پاسخ دهند. تعلیم پدران منبعی عالی است که به ما کمک می‌کند تا در درک خود رشد کنیم.

مار یوحنا کریزوستوم هم چنین تأکید می‌کند که لازم است تا با ایمان به تعمید تقرب جوییم.

آنچه در این جا رخ می‌دهد احتیاج به ایمان و چشمان جان دارد، ما نباید فقط به آن چه دیده می‌شود توجه نماییم بلکه از این فراتر رفته و آنچه را که به چشم نمی‌آید مجسم کنیم. چنین است قدرت چشمان ایمان.

این ایمان است که در تعمید، مرگ و رستاخیز و تولد نوین را می‌بیند. ما نیاز به باور تعلیم رسولان و پدران کلیسا داریم. هستند کسانی که بر وجود خدا پوزخند می‌زنند. کسان دیگری که راه‌های مختلف بسیاری را به سوی خدا پیشنهاد می‌کنند. اما مسیحیان دعوت شده‌اند تا تعالیم خداوند ما عیسی مسیح را باور کنند. ایمان نیازمند درک است برای پاسخگویی به آنهایی که بیرون از کلیسا هستند. برای درک کردن به ایمان نیاز است اگر بخواهیم نفس خود را تقویت کنیم.

یکی از مسائل شبانی در رابطه با پدیدار شدن تعمید نوزادان، رابطه‌ای است که میان تعمید و تجربه فیض خدا وجود دارد. این مسئله ممکن است که با تأکید برایمان شخصی یا با تأکید بر تجربه با روح القدس

و روغن تدهین را تبرک می‌دهیم. با کدام اعتبار کتبی و مرقوم ما چنین کاری را می‌کنیم، اگر نه به واسطه سنت عرفانی؟ او این سنت را می‌بیند که در عادات و رسومات کلیسا حفظ گردیده، به عنوان مثال روبه سوی مشرق کردن، ایستادن برای نیایش و «سایر رسومات تعمیدی». او ادعا نمی‌کند که سنت از کتب مقدسه حاصل شده، اما می‌گوید که در سنت آموزه‌های کلیسا یافت می‌شود. سنت چیزی ثابت نیست. آئین تعمید رشد کرده و تکامل یافته است. ما دیده‌ایم که تغییرات احتمالی در فرمول تعمید وجود داشته، و تصحیح‌کنندگان بعدی آئین نماز را دوباره شکل داده و از راز قربانی مقدس تقلید کرده‌اند. سنت، عمل روح القدس در کلیساست - که ما را به سوی حقیقت کامل هدایت می‌کند - در بعضی از کلیساهای اصلاحات صورت گرفته است، هنگامی که احساس کرده‌اند تحولات اشتباهی رخ داده که موجب تیره و تار شدن پیام انجیل گردیده است. هدف این نقد و بررسی نشان دادن این است که آئین نماز سریانی در تعمید مطابق اناجیل می‌باشد.

پدران و معلمین کلیسا در این باره که مسیحیان باید این راز را درک کنند بسیار نگران بوده‌اند. مار اپرم گفته است:

تعمید بدون درک

گنجی است پر و در عین حال تهی؛

چون کسی که آن را دریافت می‌کند در آن فقیر است

چون او درک نمی‌کند

عظمت غنایی را که به درون آن

داخل می‌شود و در آن سکنی می‌گزیند. (سرود تجلی ۹: ۱۰)

مار سیریل اهل اورشلیم، مار یوحنا کریزوستوم و مار تئودور، همگی عمر خود را به تعلیم تعمید یافتگان درباره آنچه که اتفاق افتاده بود و معنی رسومات مختلف، گذراندند. برخی از کارهای آنها در این کتاب گنجانیده

حل شود. این یک موضوع تازه و طریق اشتباه نیست که پیشنهاد می‌کرد
تعمید چندان مهم نیست، و پدران کلیسا با آن روبه رو بودند.
مارفیلوکزنوس اهل مابوق تعلیم می‌داد که سه نوع تولد وجود دارد:
به نظر می‌رسد که مردان خدا سه نوع تولد را تجربه می‌کنند:
اولین، از رحم به دنیای خلقت، دومین، از بردگی به آزادی، از بشر
بودن به فرزند خدا بودن چیزی که به واسطه فیض درتعمید اتفاق
می‌افتد، در حالی که تولد سوم هنگامی است که شخص با اراده
شخصی خود از طریق دنیوی و مادی به طریق روحانی دوباره متولد
می‌شود، و او خود بطنی می‌گردد که به خود تهی سازی کامل تولد
می‌بخشد.

مارفیلوکزنوس به تعمید وفادار است، اما اشاره می‌کند که لازم است
فیض تعمید به تولد دوباره اراده منتهی شود و آن را به سوی شیوه روحانی
زندگی، به شیوه تسلیم شدن به اراده خدا سوق دهد. مارفیلوکزنوس تعمید
و «تولد سوم» را با هم مرتبط می‌داند، زیرا آنها دو روی یک سکه هستند،
فیض تعمید و تجربه شخصی از آن فیض. این اشتباه است که تجربه
شخصی از آن فیض را به یک تجربه روحانی محدود کنیم و طبیعت واقعی
هرگونه تجربه‌ای، در زندگی خداگونه ثابت می‌شود.

وقتی مارسیریل درباره عبارت نفی شریب صحبت می‌کرد در آنها چیزی
را می‌دید که می‌بایست در بقیه زندگی ما تأثیر گذارد. تعمید رویدادی
است در زندگی ما که فقط یکبار اتفاق می‌افتد اما تأثیر آن مادام‌العمر
است، و بنابراین ما نیازمند رشد در شناخت خود از راز تعمید هستیم. امید
من این است که این کتاب به درک و تشویق ایمان کمک نماید به گونه‌ای
که ما همگی بتوانیم بر سر میز ملکوت خدا به ضیافت بنشینیم.

* * *

واژه نامه

اعمال توما:

داستان زندگی تومای رسول و سفر او به هندوستان. این کتاب به زبان
سریانی در اوائل قرن سوم، احتمالاً در ادسا نوشته شد.

اعمال زیپانتوس:

داستان اعمال پولس رسول، که در قرن سوم نوشته شده است.

آنافورا:

دعای اصلی شکرگزاری در آیین قربانی مقدس. که انواع زیادی از آن در
کلیسای سریانی وجود دارد.

سنت رسولی:

یک «نظام کلیسایی» غربی که به زبان یونانی در روم نوشته شده (حدود
سال ۲۱۵). بعدها رواج زیادی در کلیساهای شرقی داشت.

محل تعمید:

منبعی که در آن فرد داوطلب می‌تواند به طور کامل در آب غوطه ور شود،
یا یک ساختمان که در آن عمل تعمید صورت می‌گیرد.

مار باسیلیوس:

یکی از پدران بزرگ کلیسا (در سال ۳۶۹ وفات یافت). زمانی که اسقف
قیصریه بود کتاب «درباره روح القدس» را نوشت، که در این کتاب به آن
اشاره شده است.

مار دیونیسوس آریوپاگی:

یک صوفی که تعدادی کتابهای پرنفوذ و مؤثر نوشته (حدود سال ۵۰۰).

اگریا:

یک راهبه اسپانیایی که سفرنامه ای درباره بازدید از سرزمین مقدس نوشته است (حدود سال ۴۰۰).

دعای طلب نزول روح القدس (Epiclesis):

نیایش بسیار مهم و تقاضا از پدر برای فرستادن روح القدس بر رازهای کلیسا و قوم او. تنوع زیادی در متن و کلمات دقیق این دعاها وجود دارند.

مار اپرم:

یکی از معلمین بزرگ کلیسای سریانی. او سرودهای بسیاری به زبان سریانی سروده که هنوز هم در کلیسا از آنها استفاده می شود. او حدود سال ۳۰۶ متولد شد و بیشتر عمر خود را در نصیبین سپری کرد. او شماس و زاهد بود. دهه آخر عمر وی در ادسا سپری شد.

حوضچه Sanan Tutti:

جائی که در آن فرد داوطلب (اکثراً اطفال) تعمید می یابند.

مار گریگوری بارهیبیراٹوس:

معلم بزرگ کلیسا که در قرن سیزدهم زندگی می کرد و بسیاری از مراسم کلیسایی از جمله مراسم تعمید را اصلاح و بازنگری کرد.

تعلیم مذهبی:

سیستم کلیسای اولیه جهت آماده سازی افراد برای تعمید. شامل مراسم آماده سازی و تعلیم می شود که ممکن است چندین سال طول بکشد.

کلیسای جنوب هندوستان:

کلیسای اسقفی که از اتحاد کلیسای انگلیکن و کلیساهای متفاوت پروتستان در سال ۱۹۴۷ به وجود آمده. آئین نیایشی که در ابتدا به وجود آورد در اروپا و شمال آمریکا بسیار با نفوذ بود.

مار سیریل اهل اورشلیم:

اسقف اورشلیم که یک سری موعظه ها برای آنهاپی که تعمید یافته بودند ایراد کرد (حدود سال ۳۸۴). برخی از این موعظه ها را به جانشین او نسبت داده اند، اما آنها هنوز هم در نشان دادن آئین نیایش اورشلیم در قرن چهارم بسیار مهم هستند.

دیداکه:

یکی از اولین «نظام نامه های کلیسایی» با منشأ سریانی و احتمالاً از اواخر قرن اول.

دیداسکالیا:

یک «نظام کلیسایی» که به زبان یونانی و در نیمه اول قرن سوم در سوریه نوشته شده است.

مار دیونیسوس بارصلیبی:

نقدی درباره آئین نماز تعمید در قرن دوازدهم نوشت.

آنهایی که به منظور تعمید آماده می شدند موعظه می کرد. او معاصر مار تئودور اهل مویسوستیا بود.

ایام روزه (بزرگ):

دوره ای قبل از عید قیام در تقویم کلیسایی. در کلیسای اولیه برای آماده سازی فشرده آنهایی که در عید قیام تعمید می گرفتند مورد استفاده قرار می گرفت.

مار موسی بارکیفا:

(حدود ۹۰۳-۸۱۳) اسقف موصل (و جاهای دیگر). تفسیری درباره تعمید و روغن مقدس به اضافه مطالبی دیگر نوشته است.

نسطوریها:

کلیسای شرقی که به دلیل آموزه اش درباره مسیح و مریم و پذیرش نسطوریوس به عنوان یک معلم مذهبی کلیسا از سایر کلیساها جدا شد. بخش کوچکی از این کلیسا را می توان در تریشور (Trichur) پیدا نمود.

مار فیلوکزنوس اهل مابوق:

یکی از معلمین کلیسا که بر علیه شورای کالسدون استدلال می نمود.

غزلهای سلیمان:

مجموعه بسیار قدیمی (قبل از قرن چهارم) از سروده ها، که احتمالاً در مراسم آماده سازی برای تعمید مورد استفاده قرار می گرفت.

مار گیورگیس، اسقف اعراب:

نقدی تأثیرگذار بر مراسم تعمید و راز قربانی مقدس در قرن هفتم نوشت.

مار ایگناتیوس:

سومین نفر در سلسله پاتریارک های انطاکیه، که یک سری رساله ها به کلیساهای مختلف (به نقاطی که امروزه در ترکیه هستند) نوشته در حالی که به سوی شهادت در روم پیش می رفت.

تاریخچه یوحنا پسر زبدي:

داستانی از یوحنا رسول که تاریخ آن به اواسط قرن چهارم برمی گردد.

مار یعقوب اهل ادسا:

اسقف ادسا (۶۸۸-۶۸۴) که تعدادی آثار مهم از جمله رساله ای درباره میرون و تفسیری درباره تعمید نوشته، و آئین نیایش تعمید را بازنگری نموده است.

مار یعقوب اهل سروق:

شاعر بزرگ کلیسا، در حدود سال ۴۴۹ متولد شده. وی در ادسا تدریس می نموده اما تعالیم «نسطوری» آن زمان را مردود دانست. او دوست مار سوروس و مار فیلوکزنوس اهل مابوق بود. او بعدها در آن کلیسا اسقف شد.

مار یوحنا کریزوستوم:

یکی از معلمین بزرگ کلیسا که اسقف قسطنطنیه گردید. وی واعظی بزرگ بود و در حالی که در انطاکیه کشیش بود (حدود ۹۰-۳۸۸) برای

مار سوروس:

معلم بزرگ کلیسا و پاتریارک انطاکیه (از ۵۱۲) که مخالف شورای کالسدون بود.

تگریت:

قبلاً مرکزی مهم بود برای سرپرستی و اداره و نیز برای بازنگری متون نیایشی در کلیسای سریانی، و اینک در عراق امروزی قرار دارد.

مار تئودور اهل موپوستیا:

اسقفی که در انطاکیه یک کشیش بود (۳۹۲-۳۸۳). او ۱۶ موعظه روشنگراییانه درباره نحوه عمل تعمید دارد. بعدها به این دلیل که او را مترجم کلیسای نسطوری خطاب نمودند مورد سوء ظن قرار گرفت.

:Testamentum Domini

یک «نظام کلیسایی» که به زبان یونانی نوشته شده احتمالاً متعلق به اواخر قرن چهارم است و در خاورمیانه جمع‌آوری گردیده.

تیموتائوس اهل اسکندریه:

نظامی برای تعمید در سنت سریانی که امروزه مورد استفاده نیست. به نظر می‌رسد که در نیمه دوم قرن ششم مورد استفاده قرار می‌گرفته است.